

هفته

سال اول - شماره ۴۴ - جمعه ۲۸ فروردین ۱۳۸۸ - ۱۷ آوریل ۲۰۰۹

شاهد زمان: من شهادت می دهم که چنین گذشت



دکتر کاظم ودیعی در مونترال

◀ ایران
گفت وگویی اختصاصی
"هفته" با بهاره هدایت،
فعال دانشجویی در تهران

◀ مهاجرت
شهر شربروک به مهاجران
افغان لبخند می زند

◀ صفحه سبز
ساعتی در خاموشی برای
حمایت از کره زمین

تلويزيون سامسونگ ۷۹۹ دلار
Samsung 40"
LA40A450
720p LCD HDTV
Regular Price: \$999
Our Price: \$799

آديو ويدئو بېك

تلويزيون پاناسونيك ۹۹۹ دلار
Panasonic Viera
TC-37LZ85
1080p LCD HDTV
Regular Price: \$1,199
Our Price: \$999



سیستم صوتی
Yamaha
RX-V363
5.1-Channel
Home Theater Receiver (Black)
Regular Price: \$899
Our Price: \$699



نصب حرفه‌ای بر اساس نیاز شما
 با مشاور متخصص فارسی زبان در خدمت شما

Tel: (450) 691-8801
Fax: (450) 691-4086
46, boul. St-Jean-Baptiste
Châteauguay, QC J6K 3A4



حراج حراج حراج
 تلويزيون و
 دستگاه های صوتی
 آخرین فرصت: تعداد
 دستگاه های حراج شده
 محدود است

MSX DCM SONY YAMAHA Panasonic SAMSUNG Paradigm

ALL KINDS OF CARS FOR ALL KINDS OF BUDGETS



AUTO HIGHLANDER

با مدیریت ایرانی



\$6,600
Hyundai
Accent 2004
 Financing available



Version: **GS**
 Kilometer: **16,168 Km**
 Traction: **Traction Avant**
 Color: **Gray**
 Doors: **2**
 Transmission: **Automatic**

\$5,700
Chevrolet
Venture 2005
 Financing available



Version
 Kilometer: **76,280 Km**
 Traction: **Traction Avant**
 Color: **Dark Blue**
 Doors: **5**
 Transmission: **Automatic**

\$9,200
Honda
Odyssey 2003
 Financing available



Version: **LX**
 Kilometer: **123,300 Km**
 Traction: **Traction Avant**
 Color: **Silver**
 Doors: **5**
 Transmission: **Automatic**

\$6,200
Volvo
CS70 2000
 Financing available



Version:
 Kilometer: **177,650 Km**
 Traction: **Traction avant**
 Color: **Taupe**
 Doors: **4**
 Transmission: **Automatic**

• All cars with safety inspection
 • All cars are detailed (shampooing & wax)
 • All cars carry 6 months powertrain Warranty (PAP)

AUTO HIGHLANDER

Check Our Large Inventory at:

Tel : 450.465.0886 MTL 514.990.2500

Fax : 450.465.9512

1080 Victoria, Lemoyne (LONGUEUIL) (Montérégie) J4R 1P7

www.autohighlander.com

در این شماره:

- صفحه ۴ سخن هفته: چه کسی می خواهد من و تو ما نشویم؟ / دکتر فریدون مودت
- صفحه ۵ اخبار کانادا و کبک
- صفحه ۸ اخبار مونترال ایرانی
- صفحه ۱۱ چگونه باور کنیم سخنان شما را، آقای شیخ ساله سیبویه؟ / نامه خوانندگان
- صفحه ۱۲ آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست... گزارشی از جشن تولد زرتشت / میترا روشن
- صفحه ۱۳ گفت و گوی "هفتـــــــــــــــــــــــه" با بهاره هدایت، فعال دانشجویی؟ / مهسا امرآبادی / تهران
- صفحه ۱۵ شاهد زمان: من شهادت می دهم که اینگونه گذشت. دکتر کاظم ودیعی در مونترال
- صفحه ۱۶ معرفی "شاهد زمان" کتاب خاطرات دکتر کاظم ودیعی / علی اشرف شادپور
- صفحه ۱۸ شهر شربروک به مهاجران افغان لبخند می زند / ترجمه و تنظیم میترا روشن
- صفحه ۲۰ صفحه ادبی / داستان: واسکو پراتولینی
- صفحه ۲۱ مدیریت مغز: هویت خود را انتخاب کنید / بخش ۱۸ / فرحناز حیدرپور
- صفحه ۲۱ گزیده هایی از "فرهنگ شیطان" امروز بیرس
- صفحه ۲۲ صفحه فناوری/ کارنامه دانشجویان و فیس بوک / مصطفی مدیر روستا
- صفحه ۲۳ صفحه سبز: ساعتی در خاموشی برای حمایت از کره زمین / نگار قدیمی
- صفحه ۲۴ حاشیه کمر استقلال را شکست تا جام به اصفهان نزدیک تر شود / پیمان سلیمی
- صفحه ۲۶ «اسرار گنج دره جنی» اثر ابراهیم گلستان در کافه سینما / مراد صادقی
- صفحه ۲۷ سرگرمی: مشخصات روشن فکر موفق / مهتاب قنبری
- صفحه ۲۹ شناسنامه و فهرست انگلیسی و فرانسه



Financière

Money Wise

Financial

ارسال ارز به ایران و سایر نقاط جهان

514-485-6000

با امکان صدور Money Order امریکایی و کانادایی

6520 St.Jaques
1405 de Maisonneuve O
5774 Sherbrooke W



دکتر شریف نائینی

جراح دندان پزشک

514-731-1443

DDS دانشگاه تهران ۱۹۷۳
DMD دانشگاه مونترال ۱۹۹۸

5450 Cote des neiges
Suite 308
Metro: CDN

رادیو چکاوک

را هر یکشنبه شب از ساعت ۹ تا ۱۰

برروی موج AM ردیف ۱۲۸۰ بشنوید

www.chacavac.com

دفتر حقوقی علی غلامپور
وکیل دادگستری، بویژه در زمینه های

حقوق خانواده، دعاوی مالی، حقوق پزشکی
و مهاجرت از طریق سرمایه گذاری
در خدمت هموطنان گرامی است

Tel: (514) 395-0522

Fax: (514) 395-0524

180 Boul. Rene-Levesque Est, Bureau 109, Montreal, QC H2X 1N6

aligholampour@lawyer.com

چکاوک هفته

سال یکم - شماره ۴۴

جمعه ۲۸ فروردین ۱۳۸۸

۱۷ آوریل ۲۰۰۹

ناشر: مجله هفته

ویراستاران: لیلی خاقانی و یوسف امیری

سرمدبیر: خسرو شمیرانی

مدیر هنری و طراح جلد: به روز زمانی

صفحه‌آرایی: BehGraphics.com

عکاس: رضا بلادی

عکس روی جلد: عکاسی فوتوشاپ

گروه نویسندگان:

یوسف امیری، مسعود باستانی، محمد جباری حق،

پاشا جوادی، پیمان سلیمی، سلماز شاکری فرد،

علی شریفیان، حمیده غیاثوند، تینا فرشاد گوهر،

نگار قدیمی و مصطفی مدیرروستا

با سپاس ویژه از همکاران این شماره:

مهسا امربادی، احسان دانشیار، فرحناز حیدرپور،

میترا روشن، علی اشرف شادپور، مراد صادقی، طاهره

متبسم، دکتر فریدون مودت و فریا سلامت بخش

هفته از همه‌ی علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.

برداشت مطلب با ذکر ماخذ آزاد است.

هفته در ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.

نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.

استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.

درباره‌ی مضمون آگهی‌های منتشر شده هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

در صورت تمایل برای حمایت از تلاش‌های ما کمک‌های مالی خود را به حساب زیر واریز کنید

TD Canada Trust
Chacavac Cultural Centre
Transit #: 0515
Account #: 5209119

6960 Sherbrooke W suite 15
Montreal QC H4B 1R2
(514)787-8848
info@hafteh.info
editor@hafteh.info
ad@hafteh.info

ISSN 1918-4379 HafteH

سخن هفته

فریدون مودت

چه کسی می‌خواهد من و تو ما نشویم؟

آینه چون نقش تو بنمود راست
خود بشکن آینه شکستن خطاست

حساب حدود ۲۰۰۰ نفر گرد می‌آمدند. یک چنین گرد هم آبی ایرانی در تاریخ مونترال بی سابقه است. آقای سیبویه عزیز! به این دلیل دمتان گرم که شاید باعث شده باشید که آقایان سردمداران گروه‌های مختلف با ادعاهای گوناگون دست از منم منم و اختلافات شخصی بردارند وبدون توجه به هر ایدئولوژی که دارند برای ساختن یک کامیونیتی محکم و ریشه دار ایرانی در مونترال همت کنند.

از چندی پیش با شروع فصل بهار و آغاز سال نو ما ایرانیان، در مونترال جنب و جوش فراوانی برای گرد هم آبی‌های جوربه جور از طرف انجمن‌ها و گروه‌های مختلف مشاهده گردید. حال چرا این انجمن‌های ادبی، حافظی، سیاسی، چریک فدایی یا فداییان خلق، مشروطه خواه، سوسیالیست، کمونیست، جبهه‌ی ملی، طرفداران رژیم پادشاهی، خانه‌ی ایران ووو که همه از وطن خواهی و علاقه مندی به هموطنان خود دم می‌زنند نتوانستند حد اقل سالی یک بار اختلافات ایدئولوژیکی و خرده حساب‌های شخصی و منم منم‌ها را کنار بگذارند و همه با هم، به نام ایران و ایرانی، با عشق و علاقه در شادی یکدیگر شریک شوند خدا می‌داند....

هرکسی می‌خواهد من و تو ما نشویم خانه‌اش ویران باد. (اما نه! خدا نکند خانه‌اش ویران شود زیرا این خود ما هستیم که نمی‌خواهیم ما نشویم) امیدوارم خانه‌ها همه آباد باشد ولی کمی هم حقایق را بپذیریم و در عقاید خود تجدید نظر نماییم.

رخداد دیگر در نوروز امسال گرد هم آبی بود که به همت آقای شیخ صالح سیبویه و یارانشان برگزار گردید. این برنامه مورد اعتراض و سرو صدای عده‌ای از گروه‌ها و افراد مختلف قرار گرفته است. بنده شخصا آقای شیخ صالح سیبویه را که یک مرد روحانی مسلمان هستند از آغاز ورود به مونترال می‌شناسم. ایشان هرگز نگفته است که جبهه‌ی ملی، چریک فدایی، یا مشروطه خواه و یا طرفدار این و آن است. ایشان از روز اول در لباس روحانی وارد این شهر شد. خود من شاهد تلاش‌های ایشان برای تامین هزینه‌ی زندگی خود و خانواده‌اش بوده‌ام. علاوه بر آن هر کس نیاز مذهبی از قبیل مجالس ترحیم یا ماه محرم، ماه مبارک رمضان و غیره داشته‌اش با خلوص، در حد توانایی خود وظایف دینی را که بدان اعتقاد دارد انجام داده است.

اینجانب شخصا در مجلس نوروزدر هتل هیلتون شرکت نکردم در آینده نیز اگر چنین مجالسی برپا شود در آن شرکت نخواهم کرد. اما دور از انصاف می‌دانم که به این روحانی جوان یعنی آقای شیخ صالح سیبویه تبریک نگوییم. آقای سیبویه دمتان گرم!

با احترام به همه هموطنان عزیز

ایشان توانستند در یک شب ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ خانم و آقای ایرانی را زیر یک سقف گرد هم آورند و مدعی هستند که تا پنج هزار نفر متقاضی شرکت در این مجلس بوده‌اند. حال اگر پنج هزار نفر دقیق نباشد قطعاً علاقه مندی پانصد نفر دیگر علاوه بر آنها که شرکت کردند صحیح است. با این

* آقای فریدون مودت از شهروندان ارشد مونترال و دارای فوق لیسانس و دکتری علوم سیاسی از دانشگاه کراچی است و در دروان پهلوی دارای مناصب متعدد بوده است. او در سن ۲۶ سالگی شهردار انتخابی ماهشهر و به طور همزمان سرپرست شهرداری‌های بندر شاهپور و سرپرند شد. وی در سالهای ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۷ به عنوان شهردار نمونه در خوزستان انتخاب شد. او دبیرتر به عنوان مدیرکل شهرداری‌های مناطق غرب تهران، شهردار خرمشهر، مدیرکل سازمان تربیت بدنی کشور، مدیرکل سازمان بنادر کشتیرانی در جنوب و رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان آتش نشانی و ایمنی تهران خدمت کرده است. علاوه بر این او اولین دبیرکل قرارداد ۱۹۷۵ معروف به قرارداد الجزایر بوده است. دکتر مودت از سال ۱۹۸۰ در مونترال زندگی می‌کند.

اخبار کانادا و کبک



■ احسان دانشیار

خدمات اینترنتی اداره ی گذرنامه محدود می شود

بر اساس گزارش خبرگزاری کانادا خدمات اینترنتی اداره ی گذرنامه ی کانادا از تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۰۹ محدود خواهد شد. یکی از دلایل این امر آسان نبودن دانلود فرمهای مربوط به گذرنامه از طریق اینترنت برای شهروندان می باشد. اداره ی گذرنامه معتقد است که پر کردن فرمهای گذرنامه به صورت حضوری برای همشهریان آسانتر می باشد. در حال حاضر اداره ی گذرنامه شهروندان را تشویق می کند که از فرمهای اینترنتی که در سایت اداره ی گذرنامه وجود دارد و نیازی به رمز و کلمه ی عبور ندارد استفاده کنند. متقاضیان می توانند فرمها را در رایانه ی شخصی خود تکمیل و با در دست داشتن عکس و مدارک هویت به اداره مراجعه کنند. به گفته ی جنیفر استودارت اداره ی گذرنامه همواره برای بهبود خدمات اینترنتی خود در تلاش است. در حال حاضر بهای صدور هر گذرنامه ۸۷ دلار کانادا و مدت اعتبار ۵ سال می باشد.

جنرال موتورز: بیش از سی میلیارد دلار سود خالص در کانادا

تحقیقات جدیدی که توسط اتحادیه کارگران اتومبیل

سازی کانادا CAW ماشین سازی انجام شده نشان می دهد که دو شرکت ماشین سازی کرایسلر و جنرال موتورز بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۷ سود خالص بیش از ۳۶/۷ میلیارد دلار داشته اند. بنا به گزارش خبرگزاری کانادا در روز ۱۳ آوریل ۲۰۰۹ این تحقیق نشان می دهد که سود کلی تمامی شرکتهای ماشین سازی در ۳۵ سال گذشته در کانادا پس از پرداخت مالیات، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار می باشد و در این میان شرکت جنرال موتورز ۳۱/۷۵ و شرکت کرایسلر ۴/۹۵ بلیون دلار سود کرده اند. لازم به ذکر است که سخنگوی جنرال موتور استو لو معتقد است که شرکت برای سالها سودی نداشته است.

جستجو به دنبال دخترچه ی گمشده ادامه دارد

بر اساس گزارش خبرگزاری سی بی سی پلیس در جنوب غربی اونتاریو جستجوی زمینی خود را برای پیدا کردن دختر هشت ساله ای که چهارشنبه بعد از ظهر در ولس تاک ناپدید شده است پایان داد ولی همچنان به تحقیقات محلی خود ادامه می دهد. بر اساس تحقیقات پلیس دختر گمشده چهارشنبه ی گذشته به میل خود و بدون هیچ گونه زوری همراه یک زن غریبه مدرسه را ترک کرده است. متأسفانه پلیس در تحقیقات محلی خود هنوز به نتایج مطلوبی نرسیده است. به نظر افسر میتلند امید برای زنده بودن دختر هنوز وجود دارد و اگر شواهد تازه ای پیدا شود تحقیقات گسترده زمینی دوباره آغاز می شود. خانواده ی دختر از تمامی کسانی که تا به امروز در جستجوی

پیش بینی اقتصاد کانادا: امیدوار کننده نیست

سی.بی.سی در ۱۳ آوریل ۲۰۰۹ گزارش کرد که چشم انداز اقتصاد کانادا برای سال جاری و سال آینده امیدوار کننده نیست. بانک کانادا معتقد است که وضعیت اقتصادی با مقایسه با سه ماه گذشته بهبود نسبی یافته است. بر اساس آخرین تحقیقات بانک کانادا بسیاری از شرکتهای تجاری یک کاهش تقاضا برای محصولاتشان را برای ۱۲ ماه آینده پیش بینی کرده اند. تحقیقی که جداگانه در مورد شرایط پرداخت وامهای سالمندان توسط بانک کانادا به عمل آمده، حاکی از آن است که شرایط پرداخت وام برای سالمندان هنوز سخت می باشد. بانک کانادا تا به حال بلیونها دلار به بازار تزریق کرده است به این امید که شرکتهای تجاری برای توسعه و سرمایه گذاری استفاده کنند اما شرکتهای تجاری از شرایط سخت وامها و بهره ها ناراضی هستند. در این تحقیق آمده است که شرکتهای تجاری پیش بینی سرمایه گذاری کمتری را در بخش تجهیزات و صنایع خودروسازی دارند.

دستگیری ۱۲ نفر در یک برنامه ی رقص در مونتreal

بر اساس گزارش خبرگزاری سی.بی.سی که دوشنبه ۱۳ آوریل ۲۰۰۹ منتشر شد، حداقل ۱۲ نفر در مراسم

CanPars Immigration Services



مهاجرت

از طریق نیروی متخصص، خویشاوندی و سرمایه گذاری (فقط با ۱۲۰ هزار دلار)



علی مختاری

عضو رسمی CSIC
(شماره پروانه M-04774)
عضو کانون وکلای دادگستری تهران
(شماره پروانه ۷۳۴۱)

آیا در ایران مشکل حقوقی یا اداری دارید؟
ملک شما را تصاحب کرده اند؟
قربانی کلاهبرداری شده اید؟
از وضعیت خروج خود از مرزهای ایران بی اطلاعید؟
.....

هر گونه مشکل حقوقی یا اداری خود را در ایران با ما در میان بگذارید. تیم کنپارس در ایران با همکاری وکلای زبده به سرپرستی علی مختاری آماده حل مشکل شماست...

دفتر تهران: 8867-7108 & 09
8820-7717 & 18

دفتر مونتreal: (514) 651-4726
1980 Sherbrooke w, Suite900. Montreal, H3h1E8

info@parscanada.com
www.parscanada.com

خود را گم می کند. کیف وی پس از پیدا شدن در صندوق پست انداخته می شود در اداره پست از داخل آن مقداری ماری جوانا کشف می شود. مواد مخدر به همراه کیف و اوراق هویت افسر به اداره پلیس تحویل داده می شود. ابتدا این افسر منکر استفاده از مواد مخدر بوده ولی در تحقیقات بیشتر وی اعتراف به استفاده از آن می کند. طبق قانون استفاده از موادی مانند ماری جوانا ممنوع بوده و یکی از موارد جدی است که کمیته ی انضباطی افسران پلیس به آن بسیار حساس است به همین دلیل طی حکمی این افسر محکوم به استعفا از این شغل می شود.

آیا مسابقه ی اتومبیل رانی "فرمول یک" در مونترال احیا می شود؟

بر اساس نوشته ی روزنامه گازت مونترال در ۱۴ آوریل ۲۰۰۹ شهردار شهر مونترال آقای "جرالد ترمبلی" در تلاش است که برای سال میلادی ۲۰۱۰ مسابقه رالی فرمول یک را در شهر مونترال برگزار کند. در حال حاضر شهردار بیش از دو ماه است که با مقامات شهری در حال مذاکره برای برگزاری فرمول یک در شهر است. دولت فدرال و استانی و اداره جهانگردی مونترال



در تلاش هستند که برای امسال مسابقه ی فرمول یک را به مونترال بازگردانند. در این راستا مقامات حاضر شده اند ۲۰ میلیون دلار برای ۲۰۰۹ سال، ۲۴ میلیون برای سال ۲۰۱۳ و مبلغ کلی ۱۱۰/۵ دلار برای ۵ سال به پروموتور انگلیس آقای "اکلستون" پرداخت کنند که با موافقت ایشان انجام نشد. از سوی دیگر بحران اقتصادی مانع خرید بلیط های گران برای تماشاچیان شده است. در این راستا چین و فرانسه هم مسابقه های فرمول یک خود را لغو کرده اند از طرفی مسابقات فرمول یک استرالیا هم که در سال پیش اجرا شد ۲۷ میلیون دلار امریکا ضرر کرده است. آقای اکلستون معتقد است که برای مسابقات جدید به تعداد بیشتر از ۱۷ مسابقه احتیاج است.

رژیم مدیترانه ای: بهترین رژیم

بر اساس مقاله ای در روزنامه ی گزت بهترین رژیم غذایی دنیا برای قلب شما رژیم غذاهای مدیترانه ای می باشد که شامل میوه، سبزیجات و ماهی می شود. براساس این تحقیق استفاده ی هفتگی از قرصهای ویتامین یا امگا ۳ نمی تواند جایگزین خوبی برای سلامتی شما باشد. باید همچنین مد نظر داشت که تمامی چربی ها هم بد نیستند به عنوان مثال چربی



های موجود در روغن زیتون و اووکادو بسیار مفید هستند. همچنین در رژیم غذایی روزانه ی خود میوه و سبزیجات و ماهی و یا مرغ را باید مد نظر داشته باشید. استفاده ی کمتر از شربنی ها هم توصیه می شود. از نظر محققین کسانی که در حوزه ی مدیترانه زندگی می کنند دارای رژیم غذایی سالمی هستند و دلیل آن مصرف فرآورده های فوق می باشد. این توصیه ی ساده ۲۵ تا ۳۵ درصد خطر ابتلا به سکتته ی قلبی را می تواند کاهش دهد.

استعفای افسر آر.سی.ام.بی و ماری جوانا



سرویس خبری "کن وست" ۱۳ آوریل ۲۰۰۹ خبر داده است یک افسر "آر سی ام بی" کانادا بعد از این که از کشف مقادیری مواد مخدر (ماری جوانا) پیدا شد مجبور به استعفا شده است. این افسر پلیس کیف



پارتی و رقص مارتن که سالیانه برگزار می شود دستگیر شدند. این برنامه سالانه در مونترال در Palais des congrès برگزار شد. پلیس اعلام کرده است که دستگیری ها به خاطر فروش و استعمال مواد مخدر

در مراسم بوده است. در این مراسم که بلیت ورودی آن ۱۰۰ تا ۱۲۰ دلار بود، بیش از ۱۵۰۰۰ نفر شرکت کرده بودند. قابل توجه است که هزینه ی امنیت مراسم و پلیس به ازای هر بلیط ۴ دلار می باشد. در این مراسم بیش از ۲۰۰ گارد امنیت به همراه ۵۰ افسر پلیس حضور داشتند. هزینه ی کلی امنیت و پلیس برای اجرای مراسم در سال قبل بیش از ۶۰۰۰۰ دلار کانادا بوده است.

مرگ خیابان خواب، موجب اضطراب شده است



کشته شدن یک مرد بی خانمان در شرق ونکوور بی خانمان های زیادی را بسیار نگران کرده است. به طوریکه سی.بی.سی در تاریخ ۱۳ آوریل ۲۰۰۹ گزارش کرده است، با پیدا شدن پیکر بی جان "مایکل نستورک" در مقابل مدرسه ی ابتدایی "سرگای کارلتون" نگرانی های بسیاری برای بی خانمان های محله ی مجاور مدرسه به وجود آمده است. پلیس همچنان سرگرم تحقیقات محلی است و دلیل و یا دلایل مرگ این بی خانمان هنوز نامشخص است. متاسفانه هنوز اطلاعات کافی برای مشخص شدن دلیل مرگ وی وجود ندارد. اینکه "نستورک" هدف واقع شده بوده و اینکه دزدی صورت گرفته و یا نه هنوز برای پلیس جای سوال دارد. در کنار جسد "نستورک" کفش ها و شلوارش پیدا شده اما هنوز مدارکی دال بر قتل وی وجود ندارد.

روز ۱۴ آوریل ۲۰۰۹ گازت مونترال گزارش کرد که یک زن جوان سرباز کانادایی که برای دو هفته به اولین ماموریت افغانستان خود رفته بود در یک عملیات کشته شد. سرباز "کارین بلیس" ۲۱ ساله و چهار سرباز دیگر با یک ماشین نظامی بر روی مین رفتند که باعث کشته شدن کارین و زخمی شدن چهار سرباز دیگر شد. این حادثه در منطقه "شاه والی خوت" در شمال قندهار پیش آمد. از ابتدای سال ۲۰۰۲ تا به حال ۱۱۷ سرباز کانادایی جان خود را در عملیات مختلف در افغانستان از دست داده اند. با وجود طوفان شن در منطقه، زخمی شدگان این حادثه توسط بالگرد (هلی کوپتر) به بیمارستان نظامی در قندهار منتقل شدند که حال دو نفر از سربازان مطلوب گزارش نشده است.



دختر مونترالی گمشده در ونکوور پیدا شد

بر اساس گزارش ۱۴ آوریل سی.بی.سی. کانادا، یک دختر بچه که در سال ۲۰۰۷ در مونترال گم شده بود سالم در ونکوور پیدا شد. این دختر بچه که روز جمعه در شرق ونکوور در ایستگاه اسکای ترن رها شده بود، پیدا شد. وی بعد از فرار از خانه ای که در آن بوده از ایستگاه قطار به ۹۱۱ تلفن کرده و تا آمدن پلیس در ایستگاه می ماند. وی به پلیس توضیح می دهد که از مونترال به بریتیش کلمبیا آورده شده است و حال از خانه فرار کرده است. در حال حاضر این دختر بچه تحت سرپرستی وزارت "کودکان و خانواده ها" در بریتیش کلمبیا قرار دارد و پلیس کبک در حال انجام تحقیقات بیشتر است.

امداد گروه نجات باشند. دولت فدرال در نظر دارد که کمکهای امدادی برای آن دسته از افرادی که خانه های خود را از دست داده اند اختصاص دهد.

سیل در "مانیتوبا" تلفات جانی در پی داشت

بر اساس گزارش روزنامه گازت مونترال چاپ ۱۴ سیل روزهای اخیر در ایالت مانیتوبا فجایع زیادی به بار آورده و تلفات جانی در پی داشته است. جاده استانی ۳۲۰ کاملاً در زیر آب فرو رفته و در شهر "بریسی" در شمال "سلکیرک" عملیات امداد رسانی برای تخلیه ساکنین خانه ها ادامه دارد. بر اساس آخرین تحقیقات یک ماشین حامل دو نفر ناپدید شده. سرنشینان این ماشین یک زوج سالخورده ۸۲ ساله و ۷۹ ساله بودند که پس از تحقیقات گسترده جسد زن پیدا می شود. سیل همچنین به شماری از خانه ها هم صدمه بسیاری وارد کرده است. دویست خانه در دو شهرک هم در شمال "وینپگ" تخلیه شده است. متأسفانه شرایط برای کسانی که خانه های خود را از دست داده اند بسیار وخیم است. بعضی از ساکنان شهرکها مجبور شده اند که به بالای بامها ی خانه ها رفته و منتظر

یک زن سرباز کانادایی دیگر در افغانستان قربانی شد



رنگ کاری پیاو و مبلمان چوبی
با رنگ کاری حرفه ای و درجه یک، به مبلمان چوبی و قدیمی خود زندگی دوباره بدهید.
ماندانا روشن 514-909-6264

SALON Tati
سالن آرایش تاتی
(514) 486-1655
6859 Sherbrooke W/ Rosedale

خانه زیبایی فریده
* متخصص لیزر و الکترولیز برای از بین بردن موهای زائد
* Facial و درمان پوست
* مشاوره رایگان
* Facial رایگان با خرید ۷۵ دلار از گرم های درمانی
Tel: (514) 626-8666 (514) 892-2030

رستوران شیپراز
برای کیتینگ جشنها و مراسم
گوناگون در خدمت شما
با مدیریت خدیجه سیاح
5625 Sherbrooke W
(514) 485-2929

اخبار مونترال ایرانی



بانو خدیجه استاد بزرگ خانواده حقیقت طلب درگذشت

هفته گذشته مونترال ایرانی شاهد دو سوگ بزرگ بود. یکی از این دو عزیز بانو خدیجه استاد محمد حسین بزرگ خانواده حقیقت طلب بود.

مرحوم خدیجه استاد در اولین روز فروردین سال ۱۳۰۷ (۲۱ مارس ۱۹۲۸) در تهران متولد شد. او در تهران تحصیل کرد و ۷ فرزند، ۳ پسر و ۴ دختر، ثمره ازدواج وی بود.

اطرافیان این بانو می گویند که بسیار دلزنده و اهل سفر بود. هیچ گاه کمک خود را از کسی دریغ نمی کرد. اهل شعر بود. به حافظ علاقه داشت و عاشق فردوسی بود. عاشق ایران و فرهنگ ایرانی بود و به این دلیل مشوق فرزندان خود بود تا فرهنگ آبا اجدادی خود را حفظ کنند.

خانم میهن ریگولی یکی از ۴ دختر وی که خود از شخصیت های خیر و شناخته شده ایرانی در مونترال است در باره مادر مرحوم خود می گوید: "من ۱۶ سال گذشته را در کنار ایشان بودم. سعادت داشتم با وی هم سفر و شب و رزو همراه او باشم و بسیار از او یاد

گرفتم."

به گفته فرزند وی، مرحوم خدیجه استاد به مراکز فرهنگی از جمله مدرسه ایرانی وست آیلند و به مراکز

سخنرانی دکتر کاظم ودیعی: "سیری در آموزش در ایران"

شنبه ۲۵ آوریل ۲۰۰۹ ساعت ۵:۴۵ دقیقه غروب، دکتر کاظم ودیعی در سالن "کتابخانه مرکز فرهنگی وردان" Verdun Cultural Centre Library سخنرانی خواهد کرد. قرار است او در این سخنرانی که با عنوان "سیری در آموزش در ایران" صورت می گیرد به تحولات در نظام آموزشی ایران بپردازد اما بی تردید در هم تنیدگی زندگی او با موضوع آموزش بخشی از بحث را به خاطر او و "شاهد زمان" سوق خواهد داد. چرا که به گفته خودش، آموزش همواره و به طور همزمان شغل و شیفتگی او بوده است.

شنبه ۲۵ آوریل ۲۰۰۹ - ساعت ۵:۴۵ غروب

Verdun Cultural Centre Library

5955, rue Bannantyne,

Verdun H4H 1H6

LaSalle metro station than bus 108



پروین زرساو - همیویت

لیسانس از آکادمی همیویپتی انگلستان بدون هیچگونه عوارض جانبی از سرماخوردگی تا آسم و افسردگی را درمان کنید.

(514) 931-8274

علی پاکنژاد

مشاور بیمه و سرمایه گذاری
Dynamic Wealth Management
RRSP - Mutual Fund - Life Insurance



(514) 296 - 9071



بهروز آقا بابا خانی

وام مسکن با شرایط مناسب
HLC
(514) 606 5626

Home Loans Canada

طراحی وب سایت و راه اندازی شبکه Dream media

خدمات کامپیوتری - هومن اخوان
(514) 862-6642



www.ddreammedia.com info@ddreammedia.com



Maison de Voyages - House of Travel

آژانس مسافرتی / فرناز معتمدی
(514) 842-8000 Ext. 296

Titulaire d'un permis du Québec farnaz@hot.ca www.hot.ca

1170 Place du Frère André (Square Phillips), Montreal, Quebec, H3B 3C6

هتل رستوران مکزیکی با مدیریت ایرانی

آخر هفته موسیقی زنده مکزیکی

گروه Mariachi
Casademateo.com

Tel: (514) 286-9589

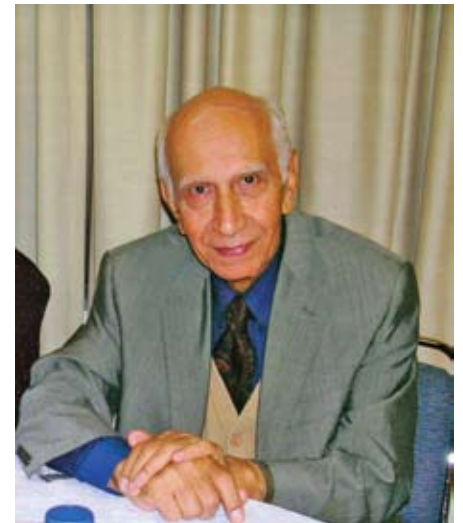


438 rue Saint-François-Xavier, Montreal H2Y 2T3



مذهبی از جمله مرکز اسلامی ایرانیان مونترال کمک می کرد.
خانم ریگولی ادامه می دهد: "روز ۲۷ ژانویه ۲۰۰۹ وقتی که سخته وی را غافلگیر کرد ما آماده شده بودیم تا با هم به مسافرت اسپانیا برویم."
اجل فرصت دیگری نداد و ساعت سه و ۵۲ دقیقه بعد از ظهر، در روز ۶ آوریل ۲۰۰۹ خانم خدیجه استاد بار سفر ابدی را بست. یاد او گرامی.

آقای صابر رضوانی شهروند ارشد و فعال دیرپای سیاسی و اجتماعی ساکن مونترال درگذشت



آقای صابر رضوانی فعال اجتماعی سیاسی جامعه آذربایجانی های مونترال درگذشت و جمع بزرگی از خانواده، فامیل و دوستان را سوگوار کرد. این چهره اجتماعی برای جمعی بزرگ، بویژه اما برای آذری های مونترال شناخته شده بود که جملگی تلاش های وی را به دیده احترام می نگریستند.
زنده یاد صابر رضوانی در ۲۷ سپتامبر ۱۹۳۱ در آغدام (جمهوری آذربایجان کنونی) بدنیا آمد. در سن ۷ سالگی به همراه خانواده به تبریز مهاجرت و پس از ۵ سال به تهران نقل مکان کرد. او از متخصصان شرکت ابولحسن دیبا NCR بود که آموزش متخصصان جدید برای شرکت های مختلف را به عهده داشت.

به طور علمی

در این برنامه دکتر ملک مشاور روانپزشک مدرسه دهخدا با هیپنوتیزم کردن چند نفر از حاضران چگونگی هیپنوتیزم درمانی را به نمایش خواهد گذاشت. بخش پرسش و پاسخ در پایان جلسه برقرار خواهد بود - شروع از ساعت ۲ بعد از ظهر - تاریخ: ۲۵ آوریل ۲۰۰۹ - محل: مدرسه دهخدا

یکی از همشهریان و همراهان وی می گوید: به حق و حقوق آذری ها، بویژه حق آموزش زبان مادری خیلی اهمیت می داد و آرزو داشت که روزی در کنار فارسی، زبان ترکی زبان آموزشی در مدارس آذربایجان ایران باشد.
صابر رضوانی صبح شنبه ۱۱ آوریل ۲۰۰۹ به خواب ابدی رفت. یادش جاودان باد.

مراسم یادبود شادروان دکتر شادمان

به همت «انجمن دوستداران فرهنگ و ادب ایران» و یاران و علاقه مندان دکتر سید ضیاءالدین شادمان عصر یکشنبه ۱۹ آوریل ۲۰۰۹ یادبودی برگزار می شود. دکتر کاظم ودیعی (از دوستان دکتر شادمان که در پاریس زندگی می کند) یکی از سخنرانان این برنامه خواهد بود.

تاریخ: یکشنبه ۱۹ آوریل ۲۰۰۹ - ۴ تا ۷ پس از نیمروز
نشانی: سالن ۵۳۵ ساختمان «هال» دانشگاه کنکوردیا، ۱۴۵۵ بلوار موزون غربی، مونترال

معرفی کتاب "شهر باریک" در میکیک

پنج شنبه ۲۳ آوریل ۲۰۰۹، ساعت ۷ تا ۹ شب، آیدا احدیانی به همراه توکا نیستانی "شهر باریک"، آخرین اثر خود را در مرکز فرهنگی کتاب ایران، میکیک معرفی می کند. این برنامه توسط کافه لیت نیز حمایت می شود.

بیانیه مطبوعاتی مدرسه دهخدا

هیئت مدیره مدرسه دهخدا از تمامی کسانی که در جشن چهارشنبه سوری و سال نو به مدرسه یاری رساندند کمال تشکر را دارد و برنامه های خود را در دو ماه اول سال جدید به شرح زیر اعلامی می کند:

(۱) سخنرانی در باره روان درمانی و هیپنوتیزم درمانی

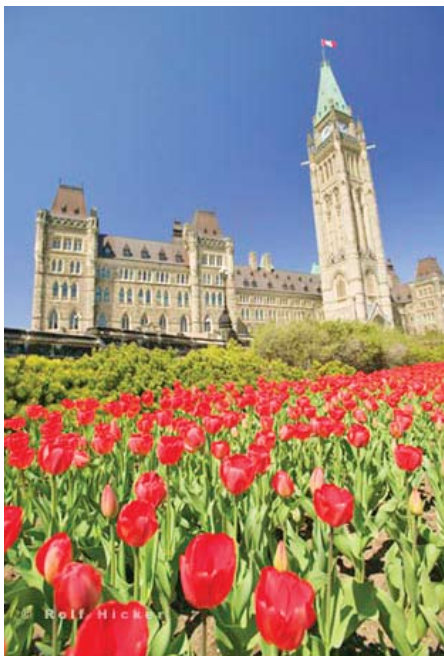
(۲) در روز ۹ ماه می مدرسه دهخدا یک بازار روز به شیوه (garage sale) خواهد داشت. از علاقه مندان دعوت می شود برای به فروش گذاشتن وسایل خود در این بازار روز، با مدیریت مدرسه تماس بگیرید. شروع از ساعت ۱ بعد از ظهر - زمان: ۹ ماه می ۲۰۰۹ - محل: مدرسه دهخدا

هیئت مدیره مدرسه دهخدا

خانه ایران دعوت می کند:

بازدید از فستیوال گل لاله در اتاوا

پس از سفر لذت بخش بازدید از هتل یخ و شهر کبک، بنا به درخواست بسیاری از هموطنان در مونترال، خانه



تسلیت

انا لله و انا اليه راجعون

خانواده محترم مرحوم جناب آقای
دکتر سید ضیالالدین شادمان
"ما در نیز در غم خویش شریک بدانید"

دکتر حشمت الملوک (فروغ) بیگدلی آذری
کامران - کتایون - کیان وزیری طهرانی

مونترال - تهران - دالاس اسفند ۱۳۸۷

تسلیت

ابراز همدردی با همکاران و یاران گرامی
خانم تینا فرشاد گوهر و آقای مهدی محمدی
همسر گرامی ایشان در سوگ یکی از اعضای جوان
خانواده نشسته اند. در این غم بزرگ همدردی و
تسلیت های قلبی ما را بپذیرید

همکاران و هیئت مدیره چکاوک و
هفته

تسلیت

همدردی و تسلیت

با اندوهی بیکران درگذشت

جناب آقای رضوانی

را به خانواده محترم رضوانی و
خانواده های وابسته تسلیت گفته،
بقای عمر بازماندگان را از پروردگار یکتا خواهیم

فرنگیسی شهیر، خسرو وزیری

تسلیت

دوستان گرامی خانم ها
شهین، میهن و نسرين حقیقت طلب
و خانواده های وابسته

با دلی آکنده از اندوه درگذشت مادر گرامیتان

بانو خدیجه استاد

را تسلیت گفته، امید آن داریم که ما را
در این غم بزرگ شریک بدانید

فرنگیسی شهیر، خسرو وزیری

هفته همه جا و همه وقت در دسترس شما: www.hafteh.info

سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی در مونترال

انجمن دفاع از حقوق بشر ایران - مونترال
Tel: (514) 299-1787
Addhi2005@yahoo.ca

انجمن حقوقدانان فارسی زبان کبک
www.ajpq.qc.ca

انجمن دوستداران زرتشت
با هدف بازشناساندن جشن‌های باستانی
Tel: (514) 731-1443

انجمن زنان ایرانی مونترال
نشست ثابت اولین یکشنبه هر ماه ۱۰:۳۰ صبح
St. Hubert 8043

انجمن فرهنگی ایرانیان وست آیلند
مدرسه فارسی - هر شنبه از ساعت ۱۲:۳۰
2900 Lake
Tel: (514) 626-5520

انجمن ادبی - محمد فاضل
سخنرانی‌های ادبی، اجتماعی و تاریخی
Tel: (514) 651-7955

بنیاد سخن آزاد
کنسرت‌های موسیقی اصیل و سخنرانی
Tel: (514) 944-8111

خانه ایران
1117 St. Catherine W #420
Tel: (514) 544-5962

خانه کتاب ایران - میک
گالری - کتاب فروشی - کتابخانه
4438 De la Roche
Tel: (514) 373-5777

خانه فرهنگ صبا
برنامه‌های فرهنگی - کتاب فروشی - کافه
5124 Sherbrooke W
Tel: (514) 481-1433

کتاب خانه نیما
5206 Decarie
Tel: (514) 485-3652

کافه لیست
هر پنجشنبه یک بحث ادبی، تاریخی و علمی
www.Cafelitt.ca
info@cafelitt.ca

کانون فرهنگی چکاوک
رادیو و هفته نامه
6960 Sherbrooke W
Tel: (514) 787-8848

مدرسه ایرانی دهخدا
مدرسه فارسی - هر شنبه
4976 Notre Dame W
Tel: (514) 827-6364

ایران سفری یک روزه به اتاوا، پایتخت کانادا، تدارک دیده است تا باردیگر در کنار یکدیگر روزی را به خوشی بگذرانیم.

زمان: یکشنبه ۱۷ می (حرکت: ۸ صبح و بازگشت ۸ شب)

قیمت: ۵۰۰ دلار (شامل هزینه رفت و برگشت، بلیط موزه Canadian Museum of civilization، Canadian Royal Mint می‌باشد. بازدید از فستیوال گل لاله و پارلمان کانادا و Rideau Hall بصورت رایگان می‌باشد.)
تهیه و تدارک غذا به عهده شرکت کنندگان می‌باشد.

به علت محدودیت جا، لطفاً بلیط خود را تا ۱۰ ماه می از دفتر خانه ایران خریداری نمایید. شمارهٔ صندلی‌ها براساس زمان خرید بلیط مشخص خواهد شد.

هیأت مدیره خانه ایران



هفته را مشترک شوید

چکاوک هفته را مشترک شوید و همگامی بیشتر ما با همدیگر آمده است. هفته را از آن همه شماست، از آن همه ماست. آن را بخوانیم. به آن ایراد بگیریم و در جهت بهبود آن گام برداریم. با هم به گسترش اطلاع رسانی سالم در جامعه یاری برسانیم. بدون اطلاع رسانی سالم، جامعه سالم غیر قابل تصور است.

هفته با شماست و برای شماست. در صورت مشترک شدن، هفته را به راحتی در منزل و یا محل کار خود دریافت می کنید و همزمان در مخارج تولید آن سهیم می شوید. کمک به گسترش فرهنگی که به آن افتخار می کنیم برای خودمان با ارزش است، این کمک را از خودمان دریغ نکنیم. همین امروز چکاوک هفته را مشترک شویم

با تلفن ۵۱۴۷۸۷۸۸۴۸ تماس بگیرید

هر روز یک خبر، یک نوشته و یک ویدئوی تازه را در سایت پوشه بازدید کنید

www.posh.com

دو نامه و چند سوال از سوی خوانندگان در باره جشن نوروزی مرکز اسلامی ایرانیان مونترال

جشن نوروز در هتل هیلتن : آیا باور کنیم ؟

من یک شهروند ایرانی و در حال حاضر ساکن مونترال هستم. در عین تعجب، بسیار خوشحال شدم که مرکز اسلامی ایرانیان، امسال نوروز را با دعوت عام از همه ی ایرانیان مونترال آغاز کرد، گروه بزرگی از ایرانیان را برای یک شب گرد هم آورد و در پایان نیز با پخش سرود "ای ایران" دل‌های آنان را به هم نزدیک ساخت.

اما برای من و عده‌ای از دوستانم در مونترال، چند سوال مطرح شده که از آقای حاج صالح سیبویه، به عنوان رئیس مرکز اسلامی ایرانیان درمونترال، درخواست داریم به آن‌ها پاسخ گویند :

۱ - چرا برنامه‌ای که خود را مستقل از هر ارگان دولتی اعلام کرده است، با سخنرانی و خوشامد گویی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران که یک مقام دولتی است (به عنوان دومین سخنران)، آغاز میشود؟ آن هم در حالیکه چه بسا بسیاری از حاضرین، به دلیل باور کردن همین ادعای استقلال از دولت جمهوری اسلامی، دعوت شما را پذیرفته باشند.

۲ - آیا آزادی زنان در انتخاب پوشش، که در اطلاعیه مرکز اسلامی بر آن تاکید شده بود، با توجه به شرکت فعال کاردار سفارت ایران در برنامه و خوشامد گویی ایشان به حاضرین، از طرف جمهوری اسلامی نیز پذیرفته شده است ؟ و اگر چنین است، چرا هنوز در ایران روزانه عده ی زیادی را تنها به دلیل بد حجابی (و نه بی حجابی) دستگیر میکنند و در خیابان‌های تهران، گشت‌های ارشاد دائما در حال تذکر و گاه تحقیر، ضرب و شتم و دستگیری زنان ایرانی، به بهانه ی بد حجابی هستند ؟ آیا همین امر یکی از دلایل مهاجرت گسترده ی ایرانیان به نقاط مختلف دنیا نیست ؟

۳ - اکثریت مردم ایران معتقد به آزادی و برابری در مورد مذهب هستند و به همین دلیل سالیان دراز، مسیحی، کلیمی، بهائی، زرتشتی و مسلمان در ایران به مانند تنی واحد زندگی کرده اند، برای کشورشان جنگیده اند و همگی خود را ایرانی دانسته اند. ما خوشحالیم که مرکز شما از همه اقشار مردم بدون توجه به مذهب و آیینشان برای شرکت در این جشن دعوت به عمل آورده است، ولی باز این سوال مطرح است که آیا این آزادی در ایران نیز حاکم است ؟ و آیا بسیاری از اقلیت‌های مذهبی ایران، به دلیل محدودیت‌های اعمال شده بر آنان، مجبور به مهاجرت ناخواسته نشده اند ؟

۴ - هرچند جنابعالی پیشتر در مصاحبه های خود اعلام کرده اید که عده‌ای افراد خیر مخارج این مهمانی پر هزینه را تامین کرده اند، اما تصور این مساله قدری مشکل است که ناگهان افراد خیری از شهرها و کشورهای مختلف دنیا، به طور همزمان، به فکر خرج کردن برای گرامیداشت نوروز افتاده باشند . چرا که چنین خرج‌های وسیعی برای زنده نگاه داشتن فرهنگ ایران، تا به حال سابقه نداشته، یا حداقل با چنین ابعادی اتفاق نیفتاده است.

در پایان امیدواریم که حکومت ایران، حقیقتا به همین درجه از آزادی که در این مهمانی وجود داشت اعتقاد پیدا کند، تا ایران عزیزمان بتواند همه ما ایرانیان را در جامعه‌ای مبتنی بر صلح و آزادی و برابری پذیرا شود.

فرزانه نویدی فر

چگونه باور کنیم سخنان شما را، آقای شیخ ساله سیبویه؟

سرکارخانم لیلی خاقانی، با سلام گزارش شما در باره جشن نوروزی آقای سیبویه در شماره ۴۳ مجله هفت‌شنبه قابل تحسین است. سوالات موجود در این گزارش کاملا سنجیده و در کلامی روشن طراحی شده اند هر چند گاهی بی جواب مانده بودند و یا در پاسخ ها ابهام وجود داشت. مثلا در مورد این سوال که پرسیده شده بود " یعنی در ایران حجاب آزاد شده است ؟" گفتند: "نه خیر آزاد نیست ولی آنطور نیست که خیلی ها فکر میکنند" ایشان توضیح نداده اند پس حجاب در ایران چگونه است .

و یا در این مورد صحبت از تعجب دخترانشان کرده اند که آنها پرسیده اند : بابا اینجا دیگر کجا است؟

مگر آنها چه کرده بودند حجاب که داشتند، گردی صورت که دیدنش در اسلام مجاز است.

و یا در جواب این سوال که "حاج آقا مخارج جشن چه قدر بوده" ایشان فقط ذکر هزینه شام هر نفر ۴۲ دلار و ۱۹ سنت کافی دانسته اند و از کرایه سالن، میوه، شیرینی و هزینه قاسم گلی و موسیقی صحبتی به میان نیاورده اند .

ولی خانم خاقانی آنچه مهم است آگاهی و اطلاع رسانی است که شما این رسالت را به خوبی انجام داده اید. دستتان درد نکند با تشکر و موفقیت بیشتر در راهی که در پیش دارید

فریا سلامت بخش

SHARIF EXCHANGE

موسسه مالی شریف

تبدیل ارز - ارسال ارز به ایران و برعکس

خریدار سکه، شمش و زیور آلات طلا

Tel: (514)561-6408

259 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست...

گزارشی از جشن تولد زرتشت

■ میترا روشن



عصر شنبه ۲۸ مارس تولد زرتشت، پیامبر و فیلسوف ایرانی، توسط دوست داران او جشن گرفته شد. این جشن به همت انجمن دوست داران زرتشت در مونتال و

در رستوران آریا برگزار شد که یکی از رشته جشن های نوروزی (چهارشنبه سوری، جشن سال نو و سیزده بدر) بود. این برنامه چهار سخنرانی کوتاه در باره تاریخ ایران و فلسفه دین زرتشت نیز داشت. برنامه با یک دقیقه سکوت به احترام جان باختگان ایران و سرود ایران مرز پر گهر آغاز شد. سپس آقای نادر کاکاوند مجری برنامه، به مقطعی از تاریخ ایران اشاره کرد: "۱۴۰۰ سال پیش توفانی از جنوب غرب ایران وزیدن گرفت که آن سرزمین را به خاک و خون کشید و درفش کاویانی یکی از پیشرفته ترین تمدن های زمان خود را به دست اعراب بیابانگرد داد. اما چرا و چگونه؟..."

یوسف امیری که عنوان صحبت او "دلایل سقوط امپراطوری ساسانی بود" به این سوال پاسخ داد: "ایران در اواخر حکومت ساسانیان در شرایط اقتصادی و اجتماعی بسیار نامناسبی بود. جنگ های بیست ساله ایران و روم در غرب، در حالیکه همواره از ترکان سمت شرق نیز تهدید می شد، باعث از بین رفتن بهترین سپاهیان شد. بی سیاستی های پادشاهانی مانند خسرو پرویز و خالی شدن خزانه و خشک سالی، به فقر و ناراضی مردم افزود. سپاهیان ایران که قبلا تا یمن و مصر و سوریه و لبنان را فتح کرده بودند آن زمان در قعر ناتوانی بودند. اعراب جنوب ایران به دلیل اینکه خسرو پرویز حکومت محلی آنها را برچیده بود از او ناراضی بودند. حتی رستم در جواب حمله اعراب پیشنهاد صلح می دهد ولی با او مخالفت می کنند. او سپهبد بود و می دانست که ایران دیگر قدرت نظامی سابق را ندارد. اما دیگر دلیل مهم سقوط، دولتی شدن دین بود. فلسفه ساده و کاربردی دین زرتشتی، تبدیل به مراسم دست و پاگیر شده بود. موبدان به چنان قدرتی رسیده بودند که پادشاهان را عوض می کردند و به مردم زور می گفتند. دین زرتشت مشروعیت خود را از دست داده بود. مردم دلسرد شده و حتا برخی مسیحی شدند."

احسان دانش یار از ایران پس از ساسانیان سخن گفت: "شکست ایران به دست اعراب اجتناب ناپذیر بود. بیدادی و پریشانی دولت ساسانی در آن اواخر به حدی رسیده بود که حتی دولت بیزانس، دشمن چندین ساله ساسانیان اگر در قدرت بود می توانست این بار ایران را فتح کند. مردم به ستوه آمده خیلی زود پیام معنوی اعراب را پذیرفتند ولی بعد با حکمرانی آنها سرستیز گذاشتند. قیامهای متعددی از قرن دوم هجری به بعد در سراسر ایران و بخصوص آذربایجان و خراسان روی داد که معروفترین آنها قیام مختار، قیام عبدالرحمان، قیام ابومسلم و نهضت سیاه جامگان، قیام سندیاد و قیام بابک خرم دین بودند. هدف همگی آنها برقراری یک دولت مستقل ایرانی بود. ایرانیان عملا از ابتدا در حکومت اعراب شریک بودند زیرا اعراب به دانش، ادب و تخصص ایرانیان در اداره حکومت نیاز داشتند. با این حال ایرانیان مغرور دولت مستقل خود را می خواستند. طاهریان اولین حکومت ایرانی را بعد از حمله اعراب در ایران به وجود آوردند که بعدها سامانیان و حکومت های بعدی ادامه دادند. همین ها بودند که سنتهای ایرانی را دوباره زنده کردند."

امیر آرش رفیعی از فلسفه جشن سنتی نوروز گفت که به نگاه ایرانیان قدیم به جهان هستی برمی گردد: "نیاکان ما عقیده داشتند که خداوند ابتدا در جهانی مینوی موجودات را آفریده و بعد آنها را به جهان هستی می فرستد تا با اهریمن مبارزه کنند و پاکي را با سربلندی به همراه با فرهور به جهان مینو ببرند. ریشه اصلی کلمه فروردین- فره ور دین- فره ور تی- است یعنی زمانی که فرهورهای نیاکان ما به زمین می آیند تا با انسانها روبرو شوند. این روز اول سال و نوروز است. طبیعت زنده می شود و آنها به جویها روان می گردند. جشن های نوروزی ایرانیان باستان از ابتدای اسفند شروع می شد که همراه با مراقبت از زمین بود هرروز به کاری اختصاص داشت، از جشن آماده سازی زمین و گل کاری گرفته تا لایروبی چشمه ها و قنات ها و جشن آب و نظافت خانه ها که همه به هدف آماده شدن برای نوروز و پذیرایی از بهار و فرهورها بود. در آخرین چهارشنبه سال جشن آتشی بود که در آن همه ناپاکی ها را می سوزانند. در جهان بینی اجداد ما نیروها به دو گروه خیر و شر تقسیم می شده اند، پس حتی همه فرهورها نیز قابل ستودن نبوده اند. اوستا در بخش فروردین سفارش می کند: آنانکه در دوستی پاک نهاد و نیک کردارند و مردم را آزرده نمی کنند و شما از گفتگوهایشان بهره می برید، فرهورهای نیرومند

را ستایش کنید که آبهای پاک را در جوی ها روان می کنند تا به مردم برسانند، تا سرزمین بارور و کشور آباد شود. با توجه به این تعریف ها می بینیم که هرکدام از ما نیز می توانیم یک فرهور باشیم."

آقای علیرضا فروتن آخرین سخنران جشن بود که از باورهای قبل از دوران زرتشت در ایران سخن گفت:

"زرتشت به معنای شتر زرد و سوار آن است، نام پیامبری ایرانی است که برای اولین بار مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت کرد. او ۳۷۷۷ سال پیش در حدود خراسان امروزی به دنیا آمد. زرتشت فردی فرهیخته بوده که در ۱۵ سالگی به مقام آذربانی می رسد، در ۲۰ سالگی پس از پایان تحصیل طبابت خانه پدری را ترک می کند تا به تفکر و طبابت وسیر و سفر بپردازد، او بعدها در سن ۷۷ سالگی در حال دعا در آتشکده کشته می شود. مذهب ایران قبل از ظهور زرتشت چند خدایی بود و خدایان متعدد مانند میترا (پسر خورشید) آناهیتا (خدای آب و آبادانی) زروان (خدای زمان)، وایو(خدای باد)، دراسپا (خدایانوی حیوانات اهلی)، آتار(مسئول نگهداری آتشکده) کاویان(مسئول مقدس کردن شاهان) وجود داشتند که در کنار خدایان بد مانند خدای دروغ، حرص و آز یا خشم برانسانها حکومت می کردند. دین (دانایی) توحیدی زرتشتی، به مسئولیت انسان و نقش او در پیکار بین خیر و شر باور داشت. آیین زرتشتی که بعدها دین رسمی امپراطوری ساسانی شناخته شد، تاثیر زیادی بر ادیان توحیدی دیگر گذاشت زیرا پیامهای او در عین سادگی، بعد جهانی داشت و در هر زمان و مکانی قابل اجرا بود."

پس از سخنرانی های کوتاه، نوبت به رقص و موسیقی رسید و به همت خانم سپیده تا نیمه شب ادامه داشت. غذای رستوران خوب و سرویس با وجود اینکه اعلام شده بود کافی نخواهد بود ولی بدون نقص برگزار شد. میهمانان با وجود صدای بلند موسیقی، با فریاد هم که شده بود با هم حرف می زدند، خانمی برای دوستانش توضیح می داد که نوروز و زرتشت متعلق به همه اقوام حوزه تمدنی ایران بزرگ است و شرکت کنندگان فقط زرتشتی یا فارس و کرد و ترک نیستند.

هنگام خداحافظی یکی از برگزار کنندگان جشن از میهمانان عذرخواهی می کرد: " ما انتظار اینهمه میهمان را نداشتیم، بخصوص که برنامه امشب ما مصادف با اولین جشن نوروزی شد که با هماهنگی مرکز اسلامی در هتل هیلتون مونتال برگزار می شود و ۱۴۰۰ میهمان رایگان دارد که شامل مقامات ایرانی و کانادایی هستند. فکر می کردیم حداکثر همان تعداد همیشگی می آیند ولی تا آخرین ساعات به دوبرابر رسید و برخلاف میل مجبور شدیم برخی را جواب کنیم. رستوران فقط شش نفر پرسنل داشت با اینهمه تا توانست با ما همکاری کرد.

بهاره هدایت: ما حقانیت و مشروعیت خود را از بدنه ی دانشجویی کسب می کنیم

شما از دانشجویان زندانی چیست؟
■ در ماه های آخر سال ۸۷ چند تن از دانشجویان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. در حال حاضر ۹ نفر از دانشجویان در بازداشت به سر می برند و هنوز تلاش ها و پیگیری های برخی مقامات، خانواده ها و وکلای آنان به نتیجه نرسیده است.

۴ نفر از این دانشجویان بهمن ماه سال گذشته در نزدیکی حسینیه ارشاد در پی لغو برگزاری مراسم یادبود مهندس بازرگان دستگیر شدند و ۵ نفر دیگر مانند عباس حکیم زاده، عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، اسفند ماه سال گذشته در منزل خود بازداشت شدند.

این افراد هنوز در بازداشت به سر می برند. طبق اخبار ما آنها در سلول انفرادی در بند ۲۰۹ اوین هستند. متأسفانه از آقای حکیم زاده هیچ اطلاعی در دست نیست. حکیم زاده از ناحیه ستون فقرات دچار آسیب شده بود و باید تحت نظر پزشک متخصص باشد و این امر موجب تشدید نگرانی خانواده ی ایشان شده است.

سایر دوستان نیز تا کنون چند بار موفق به تماس تلفنی با خانواده های خود شده اند اما آنان هم در انفرادی هستند و هنوز اقدامی برای آزادی یا رسیدگی به پرونده ی آنان صورت نگرفته است.

گفتنی است اسفند ماه و بعد از "مراسم تدفین شهدا" در دانشگاه امیرکبیر، ۵ نفر از دانشجویان دانشگاه امیر کبیر در منازل خود دستگیر شدند در صورتی که هیچ کدام از آنان در مراسم حضور نداشتند و در واقع ممنوع الورد بود دانشگاه بودند، اما این مراسم بهانه ای شد برای سرکوب دانشجویان منتقد دانشگاه امیرکبیر که قلب تپنده جنبش دانشجویی است.

ادامه در صفحه ۱۹

جنبش دانشجویی به صورت روزافزون اعمال شد. فشار بر انجمن های دانشجویی، دفتر تحکیم وحدت، دانشجویان امیرکبیر و دانشگاه شیراز و پروژه غیر قانونی اعلام کردن دفتر تحکیم وحدت از سوی وزارت علوم از نمونه های این فشارها است.

در خصوص غیر قانونی اعلام کردن دفتر تحکیم وحدت بیشتر توضیح دهید. آیا وزارت علوم حق دارد یک تشکل دانشجویی را غیر قانونی اعلام کند ؟

■ غیر قانونی اعلام کردن یک تشکل باید مراحل قانونی خود را طی کند. بر اساس ضوابط دانشگاه، ابتدا باید نماینده تشکیلات احضار شده و تخلفات را به او اعلام کنند و به تشکیلات فرصت دفاع بدهند، سپس هیئت منصفه ای تشکیل می شود و رای صادر می کند، حتی پس از صدور رای نیز می توان درخواست تجدید نظر داد بعد از آن به رای نهایی منتج می شود. ما بارها اعلام کرده ایم که کار غیر قانونی انجام نداده ایم و پیگیری های حقوقی خود را ادامه می دهیم.

از طرف دیگر دفتر تحکیم وحدت مشروعیت خود را از بدنه دانشجویی کسب می کند، ما تا کنون سعی کردیم صدای بخش قابل توجهی از دانشجویان منتقد باشیم و مطالبات آنان را به صورت شفاف بیان کنیم. ما حقانیت و مشروعیت خود را از بدنه دانشجویی کسب می کنیم و اصولاً نهادهای حکومتی حق دخالت در تشکیلات دانشجویی را ندارند.

بازداشت های فعالین دانشجویی نیز به یکی از مباحث داغ حقوق بشر تبدیل شده است، نحوه بازداشت این دانشجویان چگونه بود و آخرین اخبار

گفت وگویی "هفته" با
بهاره هدایت، فعال دانشجویی

■ مهسا امرآبادی / تهران

حمله های اخیر به دانشجویان و جنبش دانشجویی ایران را می توان تجربه ای تلخ در این چند سال اخیر لقب داد. بازداشت های گسترده فعالین دانشجویی و عدم پاسخگویی نهاد های مسئول در برابر خانواده ی دانشجویان در بند، غیر قانونی اعلام کردن دفتر تحکیم وحدت از سوی وزارت علوم، و صدور احکام سنگین جزایی از نمونه های بارز این تجارب تلخ و کم سابقه است. هر چند اکنون به نظر می رسد جنبش دانشجویی به دلیل درگیری بسیار با نهاد های امنیتی در سکوت و اغما فرو رفته است ولی تاریخ همواره ثابت کرده که قدرت ها نمی توانند نقش موثر دانشجویان را در تحولات متوقف کنند. در حال حاضر تعداد دانشجویان در بند نسبت به سال های گذشته افزایش یافته و متأسفانه اطلاعی از تعدادی از آنان در دست نیست. در این باره با خانم بهاره هدایت عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت و یکی از فعالین جنبش دانشجویی گفتگو کردم تا آخرین وضعیت دانشجویان را از زبان او بشنویم.

م. الف

خانم بهاره هدایت، فشارها و حمله ها به دانشجویان فعال و منتقد را چگونه می بینید؟

■ حمله و فشارها از ابتدای سال تحصیلی جاری افزایش یافت و می توان گفت حمله ها بر علیه

شیخ صالح سیبویه

دفتر ثبت و انجام مراسم ازدواج شرعی و رسمی (CIVIL)
و امور مربوط به طلاق
تصدیق امضاء تأیید اسناد و مدارک و ترجمه
تأیید فرم گذرنامه کانادائی

Tel: (514) 366-1509
(514) 364-5075

210 ST-Jacques Ouest, Lachine

POINTE CLAIRE DENTAL HEALTH CENTER

دکتر رامین میرموجی

دندانپزشک در کلینیک مجهز وست آیلند
از دوشنبه تا شنبه برای هموطنان

Tel: (514) 695-8641

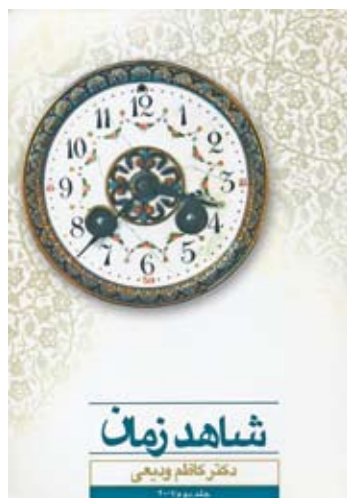
6600 Trans Canada Hwy., Suite 806
Pointe Claire, QC H9R 4S2

www.WestIslandDental.com

شاهد زمان: من شهادت می دهم که چنین گذشت



■ خسرو شمیرانی



دانشکده محیط زیست که امروز نقشی رو به افزایش در فضای دانشگاهی، زندگی اقتصادی و اجتماعی ایران بازی می کند در حقیقت بر پایه "مرکز مطالعات محیط زیست" شکل گرفت که این نیز به همت

ودיעی در سال ۱۳۵۱ بنیاد گذاشته شد. کاظم ودیعی در آخرین دو سال حیات حکومت پهلوی به عنوان وزیر کار و امور اجتماعی انجام وظیفه کرد. او در این دوره قانون نوین کار را از مجلس شورای ملی گذراند. با تمام ایراداتی که به آن گرفته می شود، برخی از آن به عنوان اولین قانون کار مدرن ایران نام می برند، به طوری که قوانین بعدی خواه نا خواه بر اساس آن نوشته شدند.

در اسفند ماه، در ادامه طوفان پس از بهمن ۱۳۵۷ ودیعی دستگیر و روانه زندان شد و بیش از یک ماه در حبس بود. او این روزها و روزهای بی آمد

که آگاهی های خود از دوران پهلوی را غالباً از فیلمتر رژیم برآمده از انقلاب "ضد پهلوی" در یافت کرده است جالب باشد.

کاظم ودیعی در مهر ماه ۱۳۰۷ در شیراز به دنیا آمد. در محل تولد دوران ابتدایی و متوسطه را پشت سر گذاشت و تحصیلات دانشگاهی را در تهران و سوربن پاریس به پایان برد. ودیعی بنیانگذار دو کرسی دانشگاهی "روش تحقیق در جغرافیا" و "روستا شناسی ایران" است، که در سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ صورت گرفت.

در سالهای ۱۳۴۰ به همت او "موسسه آموزش و تحقیقات تعاونی" تاسیس شد. هدف و وظیفه این مرکز تربیت کادر مدیریتی مدرن برای مدیریت روستاهای ایران بود.

عنوان این نوشته از گفت و گوی کوتاهی که با دکتر کاظم ودیعی انجام شد، گرفته شده است. او در پاسخ به این سوال که تا چه حد در نوشتن کتاب خاطرات خود، "شاهد زمان"، ملاحظه های گوناگون را رعایت کرده است. می گوید: "نام کتاب گویاست، شاهد زمان یعنی من شهادت می دهم که چنین گذشت." در طول این نوشتار کوتاه دوباره به این ادعا باز می گردیم.

شنبه ۲۵ آوریل ۲۰۰۹ دکتر کاظم ودیعی میهمان کانون فرهنگی چکاوک در مونترال خواهد بود. او در باره تحولات نظام آموزشی و همچنین خاطرات خود در این، رابطه صحبت خواهد کرد. در هم تنیدگی زندگی او با موضوع آموزش و در عین حال مناصب مدیریتی وی در سطوح عالی کشوری به خاطرات و گفته های وی وزن متفاوتی می بخشد. اطلاعاتی که او بدست می دهد بویژه می تواند برای نسل جوان

آن را تحت عنوان "ایام وحشت" در کتاب خاطرات خود به تصویر کشیده است. از او در باره چگونگی دستگیری و دلیل آن و چگونگی آزادی اش می پرسیم. می گوید: "کمیتة انقلاب" مرا دستگیر کرد. اما دادستانی انقلاب اعتراض داشت که چرا بدون حکم دادستانی مرا بازداشت کرده اند. پس بعد از یک ماه ایام وحشت به دلیل این اختلاف آزاد شدم اما در منزل تحت نظر بودم."

او در باره دلیل دستگیری اش چنین ادامه می دهد: "اتهام من عضویت در فرماسونری بود که حقیقت نداشت و این روشن شد. در عین حال آنها فکر می کردند من ثروت کلانی دارم و این نیز روشن شد که چنین نیست و من از ثروت ورد نظر آنها برخوردار نیستم"

ودیدی تا دو سال پس از انقلاب در ایران بود و در اسفند ماه ۱۳۵۹ از ایران خارج شد. به فرانسه رفت و به گفته خودش دوران سخت دیگری را آغاز کرد.

در باره این دوره می گوید: "دولت فرانسه پناهندگی مرا نپذیرفت." او در مقابل تعجب من پاسخ می دهد: "بله این واقعیت است. یک سال و نیم طول کشید تا اقامت گرفتم. دلیل آن این بود که دولت فرانسه تلاش می کرد رابطه خوبی با دولت اسلامی

پایه ریزی کرده و آن را قوام دهد.

ودیدی همچون بسیاری دیگر از ایرانیان که از سال ۱۳۵۷ و بویژه اما از سال ۱۳۶۰ به بعد به اجبار ترک وطن کردند در فرانسه ساکن شد و در سال ۲۰۰۷ "شاهد زمان" را منتشر کرد. در باره کتاب خاطراتش از وی سوال می کنم. می گوید که ملاحظه ای را در نظر نگرفته و به همین دلیل هم در مسیر انتشار کتاب با کار شکنی روبرو بوده. "شاهد زمان" توسط یک ناشر خارج از کشور منتشر شده است، پس در اینجا منظور وی از کار شکنی، وزارت ارشاد اسلامی و دیگر موانع رسمی و غیر رسمی که در راه انتشار کتاب در ایران وجود دارد نیست. گرچه در این باره توضیح نمی دهد اما به خوبی پیداست که او فشارهای اطرافیان را مورد نظر دارد. اطرافیان و همکاران سابق که با صراحت و صداقت ودیدی میانه ای نداشتند و آن را مطابق میل خود نمی دیده اند.

در پایان از عکس وی در پشت جلد کتاب که بسته بودن دستان او را نشان می دهد، سوال می کنم. می گوید: "به هر حال به بعضی سوالات نمی توان پاسخ داد." به نظر می آید در خارج از ایران نیز

اشکال مختلفی از سانسور ما را دنبال می کند که گاه موثرتر از ابزار سانسور در داخل کار می کنند. و شاید این گفته Ambrose Bierce در "فرهنگ شیطان" در باره سانسور هم مصداق داشته باشد که می نویسد: "یکی در خواب شیطان را دید، ریشش را گرفت که دشمن بشری و مایه هر شر. بیدار شد؛ ریش خودش در دستش بود."

با تمام این ها طیف رنگینی از خوانندگان "شاهد زمان" بر این باورند که کتاب با صداقت و حداقل ملاحظات نوشته شده است. آنها که دکتر کاظم ودیدی را از نزدیکتر می شناسند می گویند جز این صداقت و صراحت از او انتظار نداشته اند. به هر روی بسیاری از آنها که "شاهد زمان" را خوانده اند، خواندن آن را توصیه می کنند.

در پایان از آقای علی اشرف شادپور بی نهایت سپاسگزاریم که معرفی کتاب را در زمانی کوتاه تقبل کرد و از آقای دکتر کاظم ودیدی خواهش می کنم کمی و کاستی ها پرونده معرفی ایشان و کتاب ارزنده "شاهد زمان" را به حساب ما بگذارند.

"شاهد زمان" زندگی نامه ی دکتر کاظم ودیدی به قلم وی

■ علی اشرف شادپور

یکی از منابعی که مورخان و پژوهشگران می توانند گوشه های تاریخ ملت ها را ردیابی کرده و حقایق را از آنها بیرون بکشند و مردم را از گذشته ی خود آگاه سازند، خاطرات دولتمردان و اشخاصی است که زمانی به گونه ای در امور مهم کشوری نقشی ایفا کرده اند.

متأسفانه در کشور ما این سنت خاطره نویسی چندان رایج نبوده و به همین دلیل گوشه های بسیاری از تاریخ ما در پرده ی ابهام مانده است اگر بعضی از رجال دورانهای گذشته هم خاطراتی از خود بجا گذاشته اند بیشتر به جنبه های شخصی پرداخته و کمتر به مسائل عمومی و کشوری توجه داشته اند.

از خاطرات مفیدی که از دولتمردان قدیمی به دست ما رسیده است و تا حدودی از اوضاع زمان خود حرف زده اند، می توان از مخبرالسلطنه هدایت (خاطرات و خطرات)، یحیی دولت آبادی (حیات یحیی)، احمد کردی (تاریخ مشروطه) و این اواخر هم خاطرات اسدالله علم نام برد.

اما اینک چشم ما به "شاهد زمان" روشن می شود که می توان آنرا زندگی نامه ی دکتر کاظم ودیدی دانست. این کتاب در دو مجلد، نشر شده و حدوداً ۱۱۰۰ صفحه دارد.

دکتر ودیدی در گذشته استاد دانشگاه، پژوهشگر و همچنین در مصدر امور اجرایی مانند ریاست دانشگاه، وزیر، معاونت وزیر و نظایر آنها بوده است.

او در "شاهد زمان" ابتدا به بیان خاطرات دوران کودکی خود می پردازد که در شهر شیراز، معروف به شهر گل،

گذشته است. به گفته ی خودش از همان دوران کودکی، با گل و گیاه و افسانه های مربوط به آنها پایه های شخصیتی او بنیان نهاده است.

آواز محیط خانه و کوچه و سپس از شهر خاطراتی را نقل می کند. از خصوصیات مردم دوران کودکی خود، از رویا زدگی و رو درباستگی های معمول بین مردم، و مخصوصاً جوانان، می گوید. از نوع روابط بازرگانی و کسب و کار در شیراز زمان کودکی و نوجوانیش خاطراتی را نقل می کند.

با احترام از برادر و خواهرش یاد می کند و آنان را دو ستون دل می نامد. از اولین روزهای مدرسه و عوالم بچه مدرسه های آن زمان و تنبیه های متداول حکایت ها نقل می کند. دکتر ودیدی در نوجوانی با وقایع شهریور ۱۳۲۵ روبرو می شود که جزء

خاطرات نوجوانی من هم است. او از بیماران ها، پخش اعلامیه ها و بد و بیراهه هایی که عده ای به رضا شاه می گفتند، با لحن تعجب آمیزی، صحبت می کند، و می گوید از دیدن ایستگاه راه آهن تهران و از این که آن بنا و تاسیسات مربوطه مقداری از غرور از دست رفته ی ایرانیان را احیاء می کرد احساس خوشحالی می کرده است. در این کتاب، او از وقایعی که بعد از هجوم متفقین به ایران پیش آمدند با نام "روزگار شوم" یاد می کند و از نا امنی ها و نامردمی های آن زمان گله مند است.

اشاراتی گذرا به وقایع آذربایجان در سال های ۲۵-۱۳۲۴ دارد و یادآوری وضع متزلزل دولت ها در سال های ۱۳۲۸-۱۳۳۰ هم بخشی از خاطرات دوران تحصیلات دانشگاهی نویسنده است که با ذکر متل های سیاسی آن

انجمن دوستداران زرتشت، انجمن ادبی موتترال و کانون فرهنگی چکاوک برگزار می کنند:

شنبه ۲۵ آوریل ۲۰۰۹ - ساعت ۵:۴۵ غروب

سخنرانی دکتر کاظم ودیدی

Verdun Cultural Centre Library >> 5955, rue Bannantyne, Verdun H4H 1H6 LaSalle metro station than bus 108

درونی و بیرونی در هراس بود و می نالید. ضمن ذکر وقایع سال ۵۵، به یاد می آورد که از شایعه ی بیماری شاه با خبر شده بود، علیرغم این که در پنهان نگاه داشتن آن کوشش بسیار می شد. در این بخش از کتاب، همچنین از این که دست شاه به هر ترتیبی، در همه ی امور مملکتی دخالت داشت مطالب زیادی بیان شده است.

در صفحات ۴۷۰-۴۶۴، دکتر ودیعی مذاکرات جلسه ای را شرح می دهد که با حضور شاه و شهبانو فرح و هیئت دولت وقت تشکیل شده بود. مطالب جالبی که بین حاضرین رد و بدل شده است خواندنی هستند.

نویسنده همچنین از وضع احزاب و گروههای سیاسی فعال در آن سالها که "طوفان آغاز شده بود" می نویسد و نقش هر یک از آنها را از دیدگاه خود شرح می دهد، و علت همکاری گروه های لیبرال و چپ با مذهبی ها را در نحوه ی برخورد شاه با آنان می داند.

نویسنده نیش قلم خود را متوجه بعضی رهبران سابق و آن زمان جبهه ملی می کند و آن ها را به علت عدم درک آنچه در شرف وقوع بود مورد انتقاد قرار می دهد.

نویسنده بخش پایانی کتاب را، که "ایام وحشت" نام دارد، به جریانات نهایی انقلاب سال ۵۷ اختصاص داده و بالاخره می پردازد به آنچه که بر او گذشته است.

در پایان یک توضیح را ضروری می داند: این نوشته نه یک نقد، بلکه یک معرفی است که بنا به درخواست سردبیر مجله ی هفته تهیه شده است. نقد چنین کتابهایی فرصت خیلی بیشتری می طلبد و از عهده ی شخصی مانند من هم خارج است. نبود فصل بندی و فهرست و همچنین فلاش بک های نه چندان کم، همین معرفی ناشیانه را هم دشوار می سازد.

شاه سه ویژگی قائل است که درباره اثرات هر یک از آنها در رفتار شاه بحث می کند و از اثراتی که دیگران بر شاه داشتند و رقابت های ناسالم نکاتی را ذکر می کند.

در جای جای کتاب عشق نویسنده را به جغرافیا، بخصوص به جغرافیای انسانی، می توان شاهد بود.

جلد دوم اغلب به دور مسائل مملکتی می گردد و اطلاعات با ارزشی از آنچه



در آن زمان، البته در حوزه ای که دکتر ودیعی در آن کار می کرد، به دست می دهد که می توان حدیث مفصل خواند از این مجمل، گرچه چندان هم مجمل نیست. گله ی دکتر ودیعی از ساده اندیشی بعضی مسئولان، مخصوصاً از مصرف نامناسب دلارهای نفتی، زیاد است و از رویاهای "غیر عملی ولی صادقانه شاه" هم بی خبر نیست.

در سال ۱۳۵۳ خطوط اصلی پیشرفت آینده کشور را بر می شمارد و به اجرای صحیح قانون اساسی پای می فشارد و از نحوه ی تشکیل حزب رستاخیز هم مطالب بکری نقل می کند.

از نکات مهم دیگر در کتاب، قانون گریزی رژیم است که دکتر ودیعی به آن پرداخته و روی نا کارآمدی احزاب آن زمان تاکید کرده است. او می گوید زنگ خطری را در سال های بعد از ۵۴ می شنید و از ریخت و پاش های

دانشگاه های تهران و سوربن فراگرفته بود، او را به سوی شناخت بیشتر وطن، که آنرا مستلزم وطن دوستی می داند، سوق می داد.

در محیط دانشگاهی با مشکلات اداری و سیستم نه چندان پویای آموزش روبرو می شود. از کار استادی در تبریز، علیرغم بعضی مشکلات، به خاطر ارتباط با مردم آن خطه، اظهار رضایت می کند. از تحقیقاتی که درباره معیشت مردم شهرهای مختلف انجام داده بسیار راضی به نظر می رسد. از آشنایی خود با استاد شهربار هم خاطراتی نقل می کند.

جلد اول کتاب با ذکر تحقیقاتی که در نقاط مختلف آذربایجان انجام گرفته و شرح وقایع اوایل حکومت هویدا پایان می یابد.

جلد دوم با ادامه بحث درباره تعاونی های روستایی آغاز می شود. در صفحاتی که وقایع دوران هویدا را نقل می کند، متملقان و مجیز گوینان از نیش قلم نویسنده درامان نیستند. نویسنده معتقد است که در آن زمان گفته های شاه درست به اطلاع مردم نمی رسید و روشنفکران هم تشنه "یک حریم و یک امان" بودند. (جلد دوم صفحه ۳۶)

بعد از ذکری درباره احزاب آن زمان، از انجام عمران و آبادی و اصلاحات در زمینه های گوناگون سخن می گوید و پولدار شدن سریع کشور را هم یکی از عوامل ناهنجاری می داند. بخشی از جلد دوم مربوط است به پست های اداری که به ایشان محول می شد و کارهایی که در آن پست ها انجام می داده است.

روی دیگر خاطرات نویسنده، شما را می برد به درون جلسه های کابینه یا جلسه هایی دیگر که مقامات آن زمان، برای انجام کارها و برنامه ها، تشکیل می دادند. همچنین از تاثیر شاه در این جلسات و گفتگوهای بین مسئولان آن زمان نکات جالبی ذکر می کند. از نظر خصوصیات، برای

دوره همراه است. نویسنده از مسئولیت گریزی عده ای از رجال سیاسی هم انتقادهای تندی می کند. از دکتر محمد باقر هوشیار، استاد آموزش و پرورش در دانشگاه تهران، که استاد خود من هم بوده است، به نیکی یاد می کند.

در کتاب، از ناسامانی بحث های سیاسی و فلسفی سالهای ۳۰-۲۰ صحبت می شود و از اینکه خارجیان در نظر ما قدرت های شکست ناپذیرند، اظهار تاسف می شود.

یکی دیگر از نکات جالب کتاب اشاره به قتل محمد مسعود، روزنامه نگار جنگالی سال های ۱۳۲۶-۱۳۲۷ است که در آن زمان به دربار محمد رضا شاه پهلوی نسبت داده شد ولی بعدها، توده ای ها اعتراف کردند که کار آنها بوده است، از توطئه ی ترور شاه در سال ۱۳۲۷ هم ذکر به میان می آید، توطئه ای که هنوز هم ریشه های آن معلوم نشده است.

از دکتر عیسی صدیق اعلم، پدر آموزش و پرورش جدید ایران، به نیکی یاد می کند. از دیگر مردان نیک روزگار که در کتاب نام برده می شود محمود نیمان وزیر دارایی دوره ی مصدق است که به شرافت و پاکدامنی او تاکنون شکی نشده است.

دکتر ودیعی از وقایع سال های ۳۲-۱۳۲۸ که به نام دوره نهضت ملی و مبارزات ملی کردن نفت مشهور است، هم یاد می کند و از اظهار نظر درباره آن وقایع هم دریغی ندارد.

از زندگی کاری خود در خوزستان می گوید و از اثرات شوم استعمار در آن ناحیه مثال هایی می آورد که برای نسل حاضر تصور آن هم غیر ممکن است. سپس ضمن شرح تحصیلات عالی خود در پاریس، از استادان خود، که تحت تاثیر شان قرار گرفته ، یاد می کند و از ذکر وضع سیاسی آن زمان اروپا هم غافل نیست.

هنگام ورود به خدمات دولتی، شوق به شناخت محیط، که از پدر یاد گرفته بود، و آشنایی به جغرافیا که در

بنیاد سخن آزاد برگزار می کند: کنسرت علیرضا قربانی خواننده ارکستر ملی ایران، شنبه ۱۸ آپریل ۲۰۰۹ در سالن Gesu

تلفن تهیه بلیت:

(514) 223-3336

1200 Bleury Metro Place des Arts

Café Litt

هفته

شهر شربروک به مهاجران افغان لبخند می‌زند



آقای حبیبی نمونه‌ی یک مهاجر موفق افغانی در شربروک

برنامه‌ی آموزش فرهنگی بگذارد. افغان‌های مهاجر در محله‌ی خاصی در شربروک محصور نیستند، آنان همه جای شهر پخش شده‌اند. بخصوص در بخش شرقی که به کالج‌ها و مراکزهای آموزشی و تحصیلی نزدیک‌تر است. به این ترتیب همه جا می‌توانید رستوران‌هایی با مدیریت افغان‌ها پیدا کنید که کباب افغانی و حتا غذاهای کانادایی سرو می‌کنند. «خوشمزه است، نه؟!» این را احسان‌الدین عادل‌یار ۴۶ ساله می‌گوید و به پیترزای خوشمزه‌های اشاره می‌کند که مانند خوراک سیب زمینی یونانی، از غذاهای اختصاصی رستوران‌اش است. این رستوراندار سابق شهر کابل وقتی در سال ۲۰۰۱ با زن و ۴ فرزندش به شربروک مهاجرت کرد هیچ چیز از غذاهای کانادایی نمی‌دانست. او ابتدا کارش را با ظرفشویی و سپس آشپزی شروع کرد و در سال ۲۰۰۴ رستوران خودش را باز کرد. خیلی زود به خاطر کیفیت خوب غذاهای ایتالیایی، یونانی و کانادایی، کارش گرفت. خودش می‌گوید که البته تجارت در بازار کوچک شهری با ۳۵۰۰ نفر جمعیت آسان‌تر از بازارهای بزرگ مثل بوراسارد

■ ترجمه و تنظیم: میترا روشن

تلفن دفتر مدام زنگ می‌زند و «شاه عصمت‌الله حبیبی» گوشی را برمی‌دارد و به فارسی پاسخ می‌دهد. پس از پایان مکالمه به سوی من برمی‌گردد و خندان عذرخواهی می‌کند: «یکی از افغان‌های پناهنده در ایران بود که می‌خواهد به اینجا بیاید.» شاه عصمت‌الله مدیر انجمن آموزشی بین‌فرهنگی شهر است که در ضمن مسئولیت حمایت از پناهندگان افغان شربروک را نیز بر عهده دارد. این پایتخت کوچک منطقه‌ی استری (l'Estrie) اکنون پس از مونترال، بزرگترین اجتماع افغان‌ها را با ۹۰۰ نفر جمعیت در خود جای داده است. بخش مهمی از این تجمع به خاطر تلاش‌های آقای حبیبی و سازمان اوست. از کمک برای پیدا کردن خانه گرفته تا نام‌نویسی در کلاس‌های رایگان آموزش زبان فرانسه و دادن انواع مشاوره و ترجمه و دیگر راهنمایی‌های لازم برای تازه‌واردان افغانی، به شرط این که در شربروک باشند.

شاه عصمت‌الله، همسر و چهار فرزندش از نخستین افغان‌هایی بودند که در سال ۱۹۹۳ به شربروک آمدند. قبل از آن، تا هنگام اشغال افغانستان به دست شوروی، در کابل زندگی می‌کردند و سپس برای ۵ سال به هند پناهنده شدند. آقای حبیبی خیلی زود توانست جای خود را در کشور جدید باز کند و به مدلی موفق از

ادغام مهاجران در جامعه‌ی میزبان تبدیل شود. او در سال ۲۰۰۱ به خاطر تلاش‌های بی‌وقفه‌اش برای نزدیک کردن دو جامعه‌ی افغان و استری شربروک، جایزه‌ی شهروندی را نصیب خود کرد. اکنون این مرد ۴۸ ساله‌ی شیعه‌ی افغان، با ردای بلند سیاه که هم‌رنگ مرسدس بنزی است که از حراجی خریده به چشم و چراغ جمعیت افغان شربروک تبدیل شده است. او به طور مرتب با مقامات دولتی جلسه‌های هفتگی دارد و به مسئول دفتر همایش‌های فرهنگی شهر، وزیر مهاجرت و امور چندفرهنگی و نمایندگان محلی مشاوره می‌دهد. حتا نیروهای اعزامی کانادا به افغانستان نیز از کمک‌های او بی‌بهره نمانده‌اند. سال گذشته شاه عصمت‌الله به «وال کارتی» (Valcartier) رفت تا برای نظامیان کانادایی که به افغانستان اعزام می‌شدند



یک خانواده‌ی مهاجر در شربروک

(Brossard) یا لونگی (Longueuil) است. دو برادر دیگرش نیز به نصیحت او گوش داده‌اند و اکنون هر یک صاحب رستورانی در ویدون و ویندزور هستند.

بختیار عظیمی مهاجر افغان موفق دیگری است که از سال ۱۹۹۴ در شهر شربروک زندگی می‌کند. او با لهجه‌ی کبکی به من می‌گوید: «مردم اینجا مهربان هستند، البته اگر بتوانید با آنها فرانسه صحبت کنید، ولی این زبان آسانی برای یادگیری نیست. مخصوصا برای ما که از راست به چپ می‌نویسیم.» بختیار که با چشم‌های بادامی و موهای نرم و سیاه به راحتی با چینی‌ها اشتباه می‌شود از قوم هزاره‌ی افغانستان



خانم عادل یار، مهندس کشاورزی از افغانستان در شربروک



فیروز همتیان
 Agent Immobilier Affilié
 Cell: (514) 827-6364
 Bur: (514) 364-3315
 Fax: (514) 364-3649
 9515 Lasalle boul. Lasalle Qc.

مشاور املاک و مستغلات
 در مونترال و South Shore
 مسکونی و تجاری
 ارزیابی رایگان - تهیه وام مسکن

رستوران گیلان
 با مجموعه‌ای از غذاهای لذیذ گیلانی
 گیلان دوشنبه‌ها تعطیل است
 (514) 807-8747 5700 Sherbrooke W Montréal H4A 1W8

خانم هدایت اواخر سال گذشته شما و چند تن دیگر از دانشجویان توسط پلیس امنیت بازداشت شدید. دلیل آن چه بود؟

ما طبق روال معمول چند سال اخیر که خانواده های بازداشت شدگان لحظه تحویل سال را مقابل زندان می گذراندند و مراسم آغاز سال نو را آنجا برگزار می کردند تا یاد عزیزان دربندشان را گرامی بدارند، به همراه چند تن از دوستان و به خواست خانواده های دانشجویان زندانی تصمیم گرفتیم لحظه سال تحویل را مقابل زندان اوین سپری کنیم اما متأسفانه رفتار خشن و نامعقول ماموران پلیس امنیت نه تنها باعث عدم برگزاری این مراسم شد بلکه جو را ناآرام و متشنج کرد. پلیس بدون هیچ بهانه ای افراد حاضر را بازداشت کرد در حالی که این مراسم، مراسمی محدود برای دلجویی از خانواده ها بود و حتی هیچ انگیزه سیاسی پشت آن وجود نداشت اما به دلیل خشونت بیش از حد و بر خورد نامعقول نیرو های امنیتی افراد حاضر بازداشت شده و پلاک بسیاری از اتومبیل های شرکت کنندگان در مراسم را هم مصادره کردند. خوشبختانه با پیگیری برخی مقامات از جمله آقای کروی و خانواده ها، تا روز سوم فروردین همه بازداشت شدگان مقابل زندان اوین آزاد شدند.

خانم بهاره هدایت از شما سپاسگزاریم

این گفت و گو در تهران برای "هفته" چاپ مونترال انجام شده است

سیاس و قدردانی

از تمامی دوستانی که در هنگام غم

بزرگ از دست دادن بزرگ خانواده،

زنده یاد ناصر دیبایی در کنار ما بودند

و با حضور، پیام های کتبی و یا پیام

های تلفنی به ما تسلی خاطر دادند

سپاسگزاریم

خانواده های دیبایی - شایان - تشید

است که قیافه‌ی مغولی دارند و به فارسی صحبت می‌کنند. این گاراژدار سابق کابلی که در سال‌های ابتدای زندگی در کبک از ظرفشویی تا خیاطی و کارهای روزمزد را امتحان کرده است می‌گوید: «من خودم شیعه هستم ولی اینجا مسلمان یا مسیحی یا چینی ... فرقی ندارد. برای بچه‌هایم که هر دویشان اینجا به دنیا آمده‌اند درخت کاج می‌گذارم. آنها فارسی دری صحبت می‌کنند ولی نمی‌توانند به این زبان بخوانند یا بنویسند.» خانواده‌ی بختیار قصد بازگشت به افغانستان را ندارد. این را تقریباً تمام پناهندگانی می‌گویند که با آنها برخورد کرده‌ام. آنها عقیده دارند که شربروک شهر آرامی است، قیمت خانه‌ها بسیار مناسب‌تر از مونترال است، کالج و دانشگاه فرانسه و انگلیسی زبان دارد و محلی برای نماز که بیش از نیمی از افغان‌های شیعه هر جمعه شب در آنجا جمع می‌شوند. مرکز اسلامی که شاه عصمت‌الله مدیر آن است در واقع سالنی پر از فرش است. تنها مسجد شربروک مال مسلمانان سنی است که از کشورهای مختلف آمده‌اند.

مرسده اورلانا (Mercedes Orellana)، مدیر سازمانی شربروکی که به تازه‌واردها برای یافتن شغل کمک می‌کند، می‌گوید که افغان‌ها با جامعه‌ی شربروک خوب هماهنگ می‌شوند. ولی کلر گابوری (Claire Gaboury) مدیر مجتمعی مسکونی است که سه چهارم آنها افغانی هستند، عقیده دارد که همزیستی شربروکی‌ها و افغان‌ها خیلی هم به آسانی نمی‌گذرد: «برخی همسایه‌ها از سروصدا و بوی ادویه‌ی غذاها شکایت می‌کنند. من به آنان توصیه می‌کنم که باید عادت کنید!»

افغان‌ها همچنان برای یافتن کار مشکل دارند. به گفته‌ی مارتین لامبرت، مسئول آموزش زبان فرانسه در کالج شربروک، برخی از افغان‌ها به همین دلیل به بوراسارد یا لاوال می‌روند. با این حال شربروک که از سال ۲۰۰۴ سیاست پذیرایی و ادغام مهاجران را پیش گرفته، کم کم پذیرای آنها می‌شود. ضریب اشتغال مهاجران خارجی از ۶ دهم درصد در سال ۲۰۰۴ به ۴.۲ درصد رسیده است. در مجموع مهاجران که شامل سرخپوستان نیز هستند، ۶ دهم جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند. شرکت‌های خصوصی نیز کم کم درهای خود را به روی مهاجران افغان باز می‌کنند. نانسی گرگوار می‌گوید «ما چند افغان را به سفارش آقای حبیبی استخدام کردیم. تنها مشکلی که وجود دارد زبان است. آنان متوجه برخی حرفها نمی‌شوند و گاه ناچاریم از آقای حبیبی کمک ترجمه بگیریم. ولی آنان کارگران جدی و خوبی هستند و کار برایشان اهمیت دارد.» شاهد دیگر خانم «عاقله عادلپار»، بیوه زن ۴۳ ساله با سه فرزند است که ۱۱ سال پیش پس از مرگ شوهرش به شربروک آمد. قبل از آن، آنها مدت ۶ سال در روسیه بودند. این مهندس سابق کشاورزی افغانستان که از سال ۱۹۹۹ بر روی مزرعه‌ای تولیدی کار می‌کند می‌گوید: «من می‌خواهم فرزندانم مانند من تحصیلات عالی کنند. اینجا در میان فرزندان افغان آمار ترک تحصیل تقریباً صفر است. از حالا معلوم است که در آینده متخصصان زیادی خواهیم داشت.»

سرچشمه: مطلب و عکس‌ها از ماهنامه‌ی اکچوالیته شماره‌ی مارس ۲۰۰۹

www.Lactualite.com/afghanistan

■ واسکو پراتولینی

«ارسیلیا» جلو در کارگاه منتظرش بود. هنوز خون پدرش از روی زمین خشک نشده بود. به سویی رفت و دستش را پیش برد: «برای همه چیز و بخصوص اعانه ممنوتون هستم. به همه گفتیم؛ به شمام میگویم. مهندس صد لیر اضافه داد.»

«با این پول چند وقتو می تونین بگذرونین؟» تازه فهمیده بود که او دیگر یک دختر بچه نیست. پستان هایش برجسته و نگاهش غمگین اما پر از غرور بود.

دختر گفت: «تا هر وقت که باز به پول نیاز پیدا کنیم.» لبخندی زد که اندوهش را خوب نمایان می کرد. مرد برای آن که نگاهش معنی دیگری پیدا نکند و گفتگو را به راه دیگری نکشاند، به سختی تلاش کرد تا برای خود تکرار کند که او دختر یک رفیق قدیمی است که از داربست سقوط کرده و مرده است.

«شب بدی رو توی حبس گذردنیدین؟» «قبلا هم اونجا بوده ام. برام تازگی نداشت. توی سه سال سرانجام چند باری زندون افتادم.»

زنگ کارگاه به صدا درآمد. «مدی» مرد را صدا می کرد. با عجله خداحافظی کردند.

شاید «متلو» حتی نام «ارسیلیا» را از یاد می برد. سرش گرم سیاست بود، اما همیشه اتفاقی می افتاد که او را درگیر می کرد. حالا تهدید بیکاری و شاید عشق. نمی پذیرفت که گرفتار شده، چون اخلاقی این بود که هر چند وقت با کسی باشد. بیست و پنج ساله بود.

کارگری جذاب و خوش سر و زبان. زمستان بدی بود. کارگاه «رمیتو» بسته بود و او تمام روز حتی یک نصفه سیگار هم نداشت. و بهاری که او کار در «ویلا مانیا» را شروع و رها کرده بود. بعد، «متلو» خود را در اعتراضات ماه مه ۹۸ یافته بود که برنامه ای از پیش مقرر شده بود. اما خروجش از خانه در روز سه شنبه ششم و حمایت از کسی که فریاد می زد: «نان!» کاملاً تصادفی بود. مثل آبی که از یکجا سر ریز می کند و کلماتی که از دهان بیرون می ریزد. سه ماه بیکاری، و فکر این که دوباره برود دنبال حمالی حالش را بهم می زد. فقط نداشتن یک نصفه سیگار نبود. خیال نان، اجاره های عقب افتاده، قرض های از موعد گذشته، خانه ای ارزان که قولش را به «آیدا» — دوست دختر آنوقت هایش — داده بود هم بود. بعد، در صف اول تظاهرکنندگان میدان «ویتورینو» قرار گرفته بود. چیزی که غیر از آن نمی شد. آدم های معترضی که از «سن فره دیانو» راه افتاده بودند — «جه مینیانی» هم بینشان بود. کارگری که خیلی کم می شناختش و او را در تشییع جنازه ی «پالسی»

دیده بود، او را دنبال خود کشیده بودند. هیچ تابوتی را بدرقه نمی کردند. آدم هائی بودند به خشم آمده از گرسنگی. احتمال درگیری، آن ها را نمی ترساند، اساسا برایشان بی اهمیت بود. صف تظاهرکنندگان از خیابان «استروتزی» بیرون زد. «متلو» تازه به آن ها پیوسته بود که سربازان از پشت بنای یادبود پادشاه «گالاتومو»، که در پناه سنگرها پنهان شده بودند، خارج شدند. هیاهویی برپا شد. بی آنکه فرصت حرکتی را داشته باشد قنداق تفنگی به سرش خورد و او را گیج و بیهوش بر زمین انداخت. تنها بعدها فهمید که ماجرا به کجا ختم شد و در میلان و شهرهای دیگر ایتالیا چه اتفاقاتی افتاد. در «فلورانس» ده ها زخمی و در «ستسو» پنج کشته، در «ریکوبولی» یک کشته، در «کالدینه» سه کشته و در بلندی های حومه ی شهر نه کشته بر جای مانده بود. «دلبونو» را هم مثل او گرفته بودند. «توراتی» را هم. اما «پاجتی» با یک پای لنگ تا رم گریخته و در پارلمان پناه گرفته بود. «متلو» باز هم به زندان افتاده بود، اما این بار نه فقط برای یک شب. خیلی ها را به زندان «فورتتزاباسو» فرستاده بودند، و او و چند نفر دیگر را به «موراته».

در این زندان ها قرار می بیند زندان بانان و زنانی که ساعت ها در خیابان فریاد می کشیدند گذاشته شد. آن ها یکی پس از دیگری به میله ها آویزان می شدند و مردانشان را به نام می خواندند. فریاد یکی از این زنان سکوت را شکست و به داخل زندان راه کشید: «زندانیان گوش شون با من باشه! اجازه گرفتیم تا باهاتون سلام احوال کنیم. اما شما جواب ندین! چون که ما رو فوراً بیرون می کنن. هیچ خبری بهتون نمی دیم، چون میگن لابد قرار و مدار رمزیه.»

زندانیان زیر میله ها جمع شدند. سی نفری بودند و همه کارگرانی بودند که یکدیگر را می شناختند. حضور و غیاب در سکوت سنگین آغاز شد. صدای همان زن باز فریاد کشید: «من زن «مونسانی فدیگو» هستم. اگه نمی شنوه به «چیگو مونسانی» بگین زنش بهش سلام می رسونه.»

دومی فریاد زد: «من زن «بالدی نوتی آرماندو» هستم. «بالدی نوتی آرماندو!» من «جینا»م.»

و سومی: ««مارتینی پیزاکاتنه!» من «لیدیا»م. زنت.»

چهارمی داد کشید: ««جه مینیای جاتونو!» من «آنیتا» هستم.»

داخل بند، هر نامی که صدا می شد همه کنار می کشیدند و راه می دادند تا آن مرد بتواند به میله ها آویزان شود. گرچه از آنجا نمی شد خیابان را دید. اما بام روبرو و ستارگان دیده می شدند.

زن «چیگو مونسانی» باز فریاد زد: «یه پیرزنی اینجاس که صداش در نیما. مادر «پالانتی سرجو» س...» و ادامه داد: ««پالانتی»، «پالانتی سرجو» نونوا.»

«متلو» چون هیچکس صدایش نمی کرد، گوشه ای ایستاده بود. نه امیدی به آن دختر آلمانی داشت، و نه به هیچکدام از دوست دخترهای

دیگرش، «پیا»، «گاریبالدا» و نه حتی «ویولا». «زن «فیوراوانتی» نجار هستم. «فیوراوانتی» نجار. صدای دیگری که فریاد می زد: ««جولیو»... «جولیو کردادی»...» با بغض شکست.

««سنتیلیو!» من «رزینا»م.»

««پانتیفری اومرو!» من دخترشم. زنش هم اینجاس. بهش سلام می رسونه.»

بین زندانیان، هیجان آغازین جای خود را به بیقراری داده بود. بی پاسخ گذاشتن آن نام ها طاقت شان را بریده بود. دیر یا زود، کسی سکوت را می شکست. «مونسانی» چاق و موسرخ هیکل حجیمش را وسط انداخت تا دهان «کردادی» را که هیچ ربطی به «انقلاب» نداشت و اشک های دو روزه سبیل های کارمند ساده ی ثبت احوالی اش را خیس کرده بود ببندد. «کردادی» یکریز می گفت: «رفته بودم میدون «گلدنی» تا برم اداره که متو گرفت. هنوز سی سالم نیس که سابقه دار بشم. ژنرال «سانی» متو می شناسه. عموم سروانه. اما هیچکی حرفامو باور نمی کنه.»

نمی فهمید که این افتخارات برای جمعی که بین شان افتاده بود پشیزی ارزش نداشت. سرها یکی پس از دیگری از پشت میله ها بالا می آمد و می چرخید و مهتاب، نیم رخ های در آرزوی بالا رفتن از میله های بلند بند نیمه تاریک را روشن می کرد.

«بازم منم. «آنتونیه تا مونسانی» از طرف زن «لوکارلی اجیستو». حالش خوبه، اما ریه هاش آب آورده...»

بعد، صدای شفاف و تیز دختری جوان، به تندی اعلام حضور کرد:

««سالانی متلو!» «ارسیلیا»م. «ارسیلیا» دختر «پالسی» که از داربست سقوط کرد و مرد.»

و بلافاصله کوبش سم اسب ها و صداهای خشنی که دستورات تهدیدآمیز میداد و ارعاب و فریادها در صدای رسا و سرشار از خشم «آنتونیه تا» محو و ناپیدا شد:

««کثافتا، مزدورا... حکومت نظامی برقرار کردن.»

««چیگو!» منم دارن می برن.»

و ناسزا و نفرین مردانی که به میله ها چنگ انداخته بودند همچون امواجی خروشان بند را به کام کشید.

«آنتونیه تا!»

«جینا!»

«لیدیا!»

«رزینا!»

«آنیتا!»

«ارسیلیا! ارسیلیا!...»

تا اینکه سرانجام فریادها خاموش شد. حتی «کردادی» هم لب فروبست. شب بلند، با بوی تعفن غلیظ بند هم آغوش شد. شاید «متلو» تنها فرد بیدار بود.

و با نخستین پرتو نور سحری که بند را روشن کرد، به خود گفت:

«بیرون میرم و باهاش عروسی می کنم.»

۱۸ "چگونه مغز خود را مدیریت کنیم"

■ ترجمه و تنظیم: فرحناز حیدرپور
fheidarpour@gmail.com

جهان بازیابیم، اما در نهایت ما را از دستیابی به آنچه واقعاً می‌خواهیم باز می‌دارند.

برای از بین بردن این لایه‌ها، پیش از هر چیز از خود بپرسید که چرا و چگونه به شناختی که از خود دارید دست یافته‌اید. مثلاً اگر فکر می‌کنید که "آدم خجالتی هستید" و یا "در ریاضیات ضعیف هستید"، از خود بپرسید که این ویژگی چرا و چگونه به بخشی از هویت شما تبدیل شده است. هنگام پاسخ دادن به این سؤال‌ها با خود صادق باشید زیرا به جز شما کس دیگری از آن‌ها مطلع نخواهد شد. بزودی متوجه می‌شوید که بسیاری از این ویژگی‌ها با خاطرات و احساساتی از گذشته مرتبط هستند که در واقع هیچ خدمتی به شما نکرده و نمی‌کنند. ممکن است شما احساس کنید که برخی از این باورها به نفع شما عمل می‌کنند و تصمیم بگیرید که این باورها و ویژگی‌های مرتبط با آن را حفظ کنید و یا برعکس، خصوصیتی در خود بیابید که با تجربیات ناخوشایند و یا باور نادرستی در باره خودتان مربوط است و هرگز کمکی به پیشرفت و شادکامی شما نکرده است. آیا هنوز همین باور غلط، کنترل مغز و زندگی شما را در دست دارد؟ حالا زمان آن است که همه باورهای نادرست و مضر را از خود دارید کنار بگذارید و با دیدگاهی تازه هویت واقعی خود را انتخاب کنید.

اگرچه برخی از گرایش‌ها و تمایلات انسانی به شکل خصوصیات وراثتی به انسان منتقل می‌شود، ولی این بدان معنا نیست که ما ناچار به تسلیم در برابر این زمینه‌های صرفاً بیولوژیکی هستیم. هر چه خود را بهتر بشناسیم و کنترل بیشتری بر افکار و عواطف خود داشته باشیم، از رضایت و اطمینان بیشتری نسبت به خود برخوردار خواهیم شد و این همان خوشبختی است.

هویت خود را انتخاب کنید

بیشتر مردم فکر می‌کنند که با هویت خود به دنیا آمده‌اند گویی هویت آنها به صورت رمز ژنتیکی در زمان تشکیل جنین به آنها منتقل شده است. اما در واقع، هویت ساختاری ذهنی دارد و شما آن را در ذهن خود خلق می‌کنید و یا آنچه دیگران به عنوان هویت برای شما ساخته‌اند در ذهن خود ارزیابی کرده و آن را می‌پذیرید. شکستن این باور نادرست در مورد هویت، شاید یکی از مهم‌ترین مراحل باشد که هر انسان در مسیر کسب تسلط بر مغز خود بایستی از آن عبور کند.

کودکان معمولاً تصویر روشنی از زندگی ایده‌آل خود در آینده دارند. مثلاً با سادگی کودکانی خود می‌خواهند آدم‌های خوبی باشند و کارهای مفید انجام دهند. با گذشت زمان و کسب تجربیات مختلف در زندگی، هسته‌ی اولیه‌ی هویت شما در زیر لایه‌هایی از تردید، ترس و احتیاط دفن می‌شود. در طی این پروسه، ما انتخاب می‌کنیم که چگونه خود را به خود و به دیگران معرفی کنیم. با بالا رفتن سن، شما نظرات گوناگونی در باره‌ی خود از طریق محیط پیرامون خود دریافت می‌کنید و بخش زیادی از این آراء را می‌پذیرید صرفاً به این دلیل که می‌خواهید مورد پذیرش و محبت دیگران قرار بگیرید. پس از سالهای بلوغ، ما همچنان خود واقعی مان را در زیر لایه‌های بیشتری پنهان می‌کنیم زیرا به دنبال کسب وجهه‌ی بهتری در میان اطرافیان خود و جایگاه بالاتر در جامعه هستیم.

اگرچه برخی از این لایه‌ها، که معمولاً محصول پذیرش آراء دیگران است، به ما کمک می‌کنند تا در جامعه بهتر عمل کنیم و نقطه‌ی مرجعی به دست می‌دهند تا بتوانیم در موقعیت‌های مختلف جایگاه خود را در

گزیده‌هایی از "فرهنگ شیطان"

• نقل از این کتاب بدون اجازه نویسنده و مترجم موجب مزید امتنان است!
• آشنایی هنری است که مواد غیرقابل هضم را به مواد غیرقابل خوردن تبدیل می‌کند.

• آموزش یعنی آنچه چشم نادانان را بر نادانی‌هایشان می‌بندد و چشم نادانان را بر دانایی‌هایشان.

• احترام به خود یعنی نوعی اشتباه در ارزیابی.

• ادب و نزاکت یعنی این که کسی شما را هدف گلوله قرار دهد و شما فکر کنید که او شما را با کس دیگری اشتباه گرفته است! معنی دیگر ادب و نزاکت ریاکاری مودبانه است.

• ارتقاء درجه یعنی این که یک سیاستمدار را بر سر هر کاری بگذارند ولو مثلاً پنبه دوزی!
• ازدواج بهترین ترفند یک دوشیزه خانم است برای اینکه منتظران دیگر را از بلاتکلیفی در مورد شاه داماد بیرون بیاورد.

• استراحت یعنی دست برداشتن از مزاحمت برای دیگران.

• استقبال از یک مقام مهم یعنی به اهتزاز درآوردن پرچم‌ها و مقداری حرف‌های بی‌معنی!

• استعفا دادن یعنی کاری که بیشتر مقامات مهم باید قبل از دریافت حکم به فکر آن باشند!

• اسقف اعظم یعنی کشیشی که از کشیش‌های دیگر معصوم‌تر است، و خدا می‌داند!

• اشتیاق یعنی حالت عاشقی که هنوز معشوق را ندیده است!

• اصول اخلاقی یعنی تطبیق همه امور با آنچه به نفع من است!

• اصلاحات اساسی یعنی هر چه قبل از انتخابات روی در دیوارهای شهرها می‌نویسند!

• افسردگی یعنی حالتی که با خواندن همین طنزها، یا در اثر ارتقاء مقام دوستان و همکاران به شما دست می‌دهد.

* The Devil's Dictionary by Ambrose Bierce

کتاب "فرهنگ شیطان" با این جمله آغاز می‌شود: "یکی در خواب شیطان را دید، ریشش را گرفت که دشمن بشری و مایه هر شر. بیدار شد؛ ریش خودش در دستش بود."
بسیاری از دیگر نوشته‌های این اثر طنز همچون جمله آغازین مفهومی عمیق و گسترده در خود نهفته دارد و نشانگر اندیشه ژرف نویسنده است.

تارنمای "شیرینک" در این باره آورده است: فرهنگ شیطان را «آمبروز بیرس» نوشته و رضی هیرمندی آن را ترجمه کرده است. اگر دوست دارید درباره واژه‌هایی که در طول روز بارها از آن استفاده می‌کنید با تعریفی نامتعارف روبه‌رو شوید کتاب فرهنگ شیطان را بخوانید. این کتاب با واکاوای بخشی از فطرت انسان‌ها که تمایل به شیطنت دارد، واژه‌هایی گوناگون را "بازتعریف" می‌کند.

بنا بر نوشته هیرمندی، آمبروز بیرس در ۲۴ ژوئن ۱۸۴۲ در اوهایو متولد شد برخی او را برادر فراموش شده مارک تواین می‌نامند زیرا هر دو زندگی مشابهی دارند... بیرس در گیرودار جنگ داخلی آمریکا در فاصله سال‌های ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ به عنوان افسر در ارتش متحدین خدمت کرد و با اتکا به تجربه نظامی و شغل نقشه‌کشی خود در جنگ داستان‌ها نوشت و بعد روزنامه‌نگار شد.

به پیشنهاد استادی بزرگواوری که هفت... بی پشت گرمی او و بزرگانی چون او به سختی جان می‌گرفت، اگر اصلاً جان می‌گرفت، از این پس ستونی به گزیده‌هایی از "فرهنگ شیطان" اختصاص می‌دهیم.

تحریریه هفت...

خبرهایی از دانش و فناوری

■ مصطفی مدیرروستا

کارنامه دانشجویان و فیس بوک



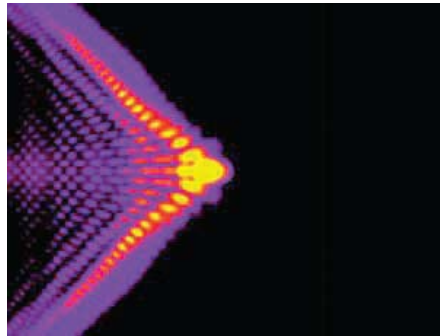
نه! احتیاجی نبود که بودجه‌های تحقیقاتی برای این مصرف شود. ولی چاره چیست، زمانی که عقل سلیم کم‌یاب شده باشد، لازم می‌شود که چنین پژوهش‌هایی صورت بگیرد. پس محققان دانشگاه ایالتی اهایو دست به کار می‌شوند، آمار می‌گیرند و پرس و جو می‌کنند تا به همگان ثابت شود دانشجویانی که وقت خود را به جای توجه به درس و استاد با صفحه‌ی فیس‌بوک سپری می‌کنند، کارنامه درخشانی ندارند. اما این پایان گزارش "Computer World" در باره ارتباط کارنامه‌های دانشجویان و درصد مراجعه آنها به وبگاه ارتباطات اجتماعی فیس بوک نیست. در این گزارش همچنین آمده است که وقتی از دانشجویان سوال می‌شود، آیا به نظر آنها ارتباطی بین گذراندن وقت روی فیس‌بوک و پایین بودن نمرات شان وجود دارد، غالب آنها جواب می‌دهند که ارتباطی وجود ندارد.

نشریه Computer World همچنین نوشته نظرخواهی که از ۲۱۹ دانشجوی دانشگاه اهایو به عمل آمده است نتایج جالب دیگری را نیز در بر دارد. بنا به این آمار، ۸۵ درصد دانشجویان دوره‌های کارشناسی از فیس‌بوک استفاده می‌کنند و این در حالی است که تنها ۵۲ درصد از دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری از آن استفاده می‌کنند. از طرف دیگر دانشجویان رشته‌های مهندسی، علوم، فن‌آوری، بیزینس، و ریاضی بیشتر از دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به فیس‌بوک روی می‌آورند. بنا به همین گزارش، دانشجویانی که بر روی فیس‌بوک فعال هستند و ۱ تا ۵ ساعت در هفته به مطالعه دروس خود می‌پردازند معدلی بین ۳۰ و ۳۰.۵ دارند حال آنکه آن دسته از دانشجویان که به فیس‌بوک توجه نمی‌کنند، معدل‌شان بین ۳.۵ و ۴.۰ می‌باشد.

تنگنای اقتصادی و حیلتهای اپل

به گزارش وبگاه خبرهای رایانه‌ی "Neowin"، شرکت اپل، تولید کننده آی پاد، ای‌پد شافل جدیدی به بازار عرضه کرده است که ناراضی‌تیمی مصرف کنندگان را دربر داشته است. این شافل جدید، هیچ تکمیلی

ندارد، با گوشی‌های غیر اپل همخوانی ندارد، و نصف اندازه شافل‌های پیشین می‌باشد. ولی آنچه که مصرف کنندگان را بیشتر برآشفته کرده است قیمت این دستگاه می‌باشد. شاید در وحله اول ۷۹ دلار آنچنان عجیب هم به نظر نیاید و با توجه به سابقه‌ی که از اپل داریم، به تجربه ثابت شده است که هر محصول جدید از این شرکت با قیمتی چندین برابر قیمت قابل قبول بازار نخست عرضه می‌شود و سپس در عرض یک سال آینده، آن قیمت تعدیل می‌شود ولی پس از درج گزارشی در بیزینس‌ویک، ۱۳ آوریل ۲۰۰۹ میلادی، که هزینه‌های قطعات و ساخت آی پاد جدید را به تفصیل فاش نموده است، مصرف کنندگان احساس می‌کنند که به طوری ناشایست تحت چپاول این شرکت قرار گرفته‌اند.



این امواج که از توان بالایی برخوردار می‌باشند، در مسیر خود هوا را یونیزه کرده، کانالی از پلاسما در مسیر منحنی خود ایجاد می‌کنند. از اولین استفاده‌های آن هدایت برق آسمان به نقاط امن بر روی زمین می‌باشد تا خطر رعد و برق را پایین آورد.

البته ذغال خوب هم بی تاثیر نیست

به گزارش آزاده انصاری در سی.ان.ان. متخصصان به روشی جدید برای کاهش آلودگی محیط زیست دست یافته‌اند.

پژوهندگان دانشگاه جورجیا این روزها سرگرم بازیابی منابع کربن موجود در زباله‌های جنگلی و کشاورزی هستند. این زباله‌ها

از کربن غنی می‌باشند. " برایان بایبیز" می‌گوید که استفاده مجدد از این محتوای کربنی نه تنها می‌تواند جواب آلودگی هوا باشد بلکه به طور غیر مستقیم توان این را نیز دارد که برای مشکل جهانی دیگری، یعنی گرسنگی جوابی مناسب ارائه بدهد.

روش بکار گرفته توسط گروه UGA چندان تفاوتی با فرایند ایجاد ذغال در طبیعت ندارد. این گروه، زباله‌های جمع‌آوری شده را که شامل براده چوب، خرده چوب، پوشال ذرت، غلاف بادام شامی، و حتا فضولات ماکیان می‌باشد به داخل بشکه مخصوصی می‌کنند و این همه را در دماهای بالاتر از ۵۰۰ درجه سلسیوس، می‌پزند. فرآورده این کار محصولی است که به نام ذغال‌زیستی، Biochar شناخته می‌شود. این ذغال متخلخل است، و از ایثروی قابلیت به دام انداختن دی‌اکسید کربن هوا را دارد. البته خدمت بیوچار به این منتهی نمی‌شود. این منبع غنی از کربن، کود خوبی برای کشت و کار نیز به حساب می‌آید. بی دلیل نیست که شماری از دانشمندان آن را طلای سیاه کشاورزی نامیده‌اند.



هزینه مغز این دستگاه تنها ۵.۹۸ دلار می‌باشد و با شمردن دیگر هزینه‌ها، یک شافل ۲۲ دلار بیشتر برای اپل خرج ندارد. حال آنکه مصرف کنندگان برای این دستگاه ۲۲ دلاری بیش از ۳۰۰ درصد اضافه‌تر باید پرداخت کنند. "اندرو راسویلر" انالیست "iSuppli" می‌گوید مانند این است که حافظه فلشی را که بیش از ۵ دلار نمی‌ارزد چند زلنب و زینبو چسبانده باشید و قیمتی گزاف را طلب کنید. بنا به گزارش بیزینس‌ویک وضعیت برای دیگر محصولات اپل از این بهتر نیست. آی پاد تاچ قیمت تمام شده‌ی برابر ۱۴۷ دلار دارد ولی به قیمت ۲۹۹ دلار در بازار فروخته می‌شود.

مثل بکام بیچونش

به قول فیلم Bend it like Beckham اگر فکر می‌کنیم که نور مثل تاکسی‌های تهران فقط مستقیم می‌رود، کور خوانده ایم. نیوسایتیست در شماره ۹ آوریل ۲۰۰۹ میلادی خود خبر از خم کردن تشعشعات لیزر می‌دهد. با گذراندن پالس‌های لیزر از درون ماسک فازی (phase pattern mask) و یک لنز، دانشمندان دانشگاه آریزونا در توسکان موفق شده‌اند

ساعتی در خاموشی برای حمایت از کره زمین

- Alberta
Calgary, 10 MW (1%)
Edmonton, (5,2%)
- British Columbia, 72.67 MW (1.1%)
Victoria, (3.1%)
Vancouver, (1.3%)
- New Brunswick, 20 MW
- Newfoundland and Labrador, (1%)
- Nova Scotia, 15 MW (1%)
- Ontario, 920 MW (6%)
Toronto, 455 MW (15%)
Mississauga, (10%)
Ottawa, (6%)
Oakville, (13.3%)
Peterborough, (10%)
Richmond Hill, 43 MW (27%)
- Prince Edward Island, (9.7%)
- Quebec, 150 MW (5%)
- Saskatchewan
Saskatoon, (1.2%)

واقف هستند. افزایش گازهای گلخانه ای منجر به افزایش دمای هوای اطراف زمین می شود و این افزایش دما منجر به تغییر الگوهای بارش، ایجاد طوفان و تغییر سطح دریاهای می شود. این تغییرات اقلیمی عموماً پدیده تغییرات آب و هوا خوانده می شود. در شهر تورنتو میزان مصرف الکتریسیته در مدت اجرای حرکت نمادین «ساعتی برای زمین»



نگار قدیمی

دو سال پیش (۲۰۰۷) سازمان جهانی حیات وحش (IUCN) به مردم استرالیا پیشنهاد کرد که در اقدامی نمادین برای نشان دادن اهمیت حفظ محیط زیست و جلوگیری از پیشرفت پدیده تغییرات آب و هوایی (۲) کره زمین که ناشی از رها شدن گازهایی همچون دی اکسید کربن به فضا می باشد، لامپ های خود را در تاریخ ۲۸ مارچ (۸ فروردین) از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب خاموش کنند. در آن سال ۲/۲ میلیون خانه و محل تجاری در استرالیا در این حرکت نمادین مشارکت کردند. در سال ۲۰۰۸ پروژه «ساعتی برای زمین» (۳) در سایر نقاط دنیا گسترش پیدا کرد و حدود ۵۰ میلیون نفر در سرتاسر جهان با خاموش کردن لامپ های خود نشان دادند که حفظ محیط زیست برای آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. امسال نیز ۴۰۰۰ شهر در ۸۸ کشور جهان در این حرکت نمادین شرکت کردند. کشور کانادا از فعال ترین کشورها برای تبلیغ و شرکت در پروژه «ساعتی برای زمین» بود. آمار ها نشان می دهد که ۵۲ درصد از جمعیت بزرگسالان کانادا برای حمایت از فعالیتهایی که مانع ایجاد پدیده تغییرات آب و هوایی می شوند و نشان دادن اهمیت مسئولیت تک تک افراد برای حفظ کره زمین در حرکت «ساعتی برای زمین» شرکت کردند. ۸۰ درصد از مردم کانادا بر این باورند که شرکت در «ساعتی برای زمین» این پیغام را به دولت مردان می رساند که زمان جدی گرفتن پدیده تغییرات آب و هوایی و کاهش تولید گازهای گلخانه ای فرا رسیده است. امروزه تعداد بیشتری از شهروندان کانادایی به اهمیت کاهش تولید گازهای گلخانه ای مانند دی اکسید کربن، متان و ازن که اکثراً ناشی از سوخت سوخته های فسیلی مانند بنزین، گاز طبیعی و زغال سنگ، پدیده جنگل زدایی (قطع درختان جنگلی)، استفاده از موادی مانند CFC در تولید اسپری ها و کارخانه های یخچال سازی و فرایند های صنعتی همچون تولید سیمان می باشند،

۱۱۵ درصد نسبت به مصرف معمولی کاهش یافت در حالیکه این رقم در سال گذشته برابر با ۷/۸ درصد بوده است. شهرداریهای مختلف در ۲۵۸ شهر کانادا خدماتی برای فعالیتهایی همچون تماشای ستارگان، نمایش در فضای آزاد و حتی کلاسهای یوگا در تاریکی ارائه می کردند. بسیاری از ساختمانها مانند CN Tower چراغهای خود را در حمایت از این اقدام جهانی خاموش کردند. همچنین مراکز تجاری مانند هتل های چهار ستاره و نگوور با طراحی میز های شام خود با شمع به این حرکت پیوستند.

انجام اقدامات نمادین همچون خاموش کردن چراغها تنها برای یک ساعت می تواند ما را به این فکر وادارد که همه ما در برابر حفظ محیط زیست و کره زمین، به خاطر خود و نسل های آتی مسئول هستیم و باید اقدامات بیشتری برای حفظ محیط زیست انجام دهیم.

جدول روبرو میزان کاهش مصرف الکتریسیته در «ساعتی برای زمین» را نسبت به حالت معمولی در استانهای مختلف کانادا نشان می دهد.

پانویس ها

- (۱) World Wildlife Foundation (WWF)
- (۲) Climate Change
- (۳) Earth Hour

منابع:

<http://www.eia.doe.gov/bookshelf/brochures/greenhouse/Chapter\1.htm>

www.wwf.ca/earthhour/





■ پیمان سلیمی

حاشیه کمر استقلال را شکست تا جام به اصفهان نزدیک تر شود



هفته سی و دوم لیگ برتر ایران با تساوی استقلال در اهواز و پیروزی ذوب آهن در شیراز همراه بود. با پایان این هفته تیم استقلال پس از ماه‌ها صدر نشینی جای خود را به تنها رقیب خود یعنی ذوب آهن داد. این اتفاق که شاید در یکی از حساس‌ترین هفته‌های لیگ رخ داد، حرف و حدیث‌های زیادی را برای استقلال به همراه داشت. در فوتبال ایران دیگر حاشیه‌سازی برای استقلال و پرسپولیس برای روزنامه‌های ورزشی به یک عادت تبدیل شده است. به عنوان نمونه در این فصل پرسپولیس با جدایی افشین قطبی در اوایل فصل کار خود را آغاز کرد و حاشیه‌پرانی روزنامه‌ها حول این موضوع قوت گرفت اما بازی تیم دختران و پسران استقلال به یک باره حاشیه‌های پرسپولیس را به فراموشی سپرده تا دوباره عدم حضور کریمی در تیم ملی و نتایج ضعیف افشین پیروانی شرایط پرسپولیس را بحرانی و کار روزنامه‌های ورزشی را زیاد کرد تا جایی که پرسپولیس زیر این فشارها به طور کامل از کورس قهرمانی عقب ماند و در این زمان استقلال بدون حاشیه آرام آرام خود را به صدر جدول رساند و تا پیش از سال نو بدون حاشیه در صدر جدول قرار داشت اما بعد از نتایج ضعیف این تیم در لیگ قهرمانان آسیا کم کم پیکان روزنامه‌های ورزشی از سمت پرسپولیس به استقلال برگشت تا جایی که مجتبی جباری به علت اعتراض به تصمیمات امیر قلعه‌نویی از همراهی این تیم محروم شد. اما این پایان کار نبود درگیری شدید میثم منیعی با قلعه‌نویی در مهرآباد و زیر سوال بردن کارنامه مربی استقلال توسط جواد زرینچه و خبرهایی مبنی بر تبانی وی تیترو روزنامه‌های ورزشی ایران را خواندنی‌تر از همیشه کرد.

از اعتراض جباری تا درگیری منیعی

مجتبی جباری که در دیدار استقلال برابر الاتحاد عربستان در رقابتهای لیگ قهرمانان آسیا پس از تعویضش واکنش خوبی نشان نداد از سوی امیر قلعه‌نویی از همراهی استقلال محروم شد. در هفته گذشته، بعد از سخنان جواد زرینچه و حاشیه‌های تازه در تیم استقلال، در یک نشست هافبک میانی استقلال مورد بخشش قرار گرفت و به وی اجازه داده شد از فردای آن روز در تمرینات تیمش شرکت کند. البته این بخشش در پایان ۲۰ میلیون تومان جریمه نقدی برای جباری به همراه داشت. اما میثم منیعی دقیقی قبل از پرواز کاروان استقلال به اهواز، با سرمربی و مدیر روابط عمومی باشگاه در فرودگاه مهرآباد درگیری شد تا امیر قلعه‌نویی نیز او را از همراهی تیم باز دارد و وی را از فرودگاه راهی خانه کند و به همراه کاروان استقلال نبرد تا یک اتفاق در نوع خود جالب در فوتبال ما رقم بخورد. البته میثم منیعی در اولین تمرین استقلال بعد از بازی فولاد به همراه پدرش به محل تمرین استقلال آمد و یاد درگیری‌های دبیرستان و خواستن والدین را زنده کرد تا شاید با این کار دچار جریمه‌ای که مجتبی جباری شد نشود.

خودزنی استقلال از نوع ایتالیایی

چند سال پیش خبر تبانی تیم‌های صدر اول باشگاهی ایتالیا از جمله یوونتوس و آث میلان به قدری داغ بود که همه از رد پای مافیا در این گاوبندی‌ها سخن می‌گفتند و این موضوع تا جایی بالا گرفت که این دو تیم را برای یکی دو فصل از جمع مدعیان خارج ساخت و همچنین باعث سقوط و کسر امتیاز از این دو تیم شد به طوری که این دو تیم هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده‌اند. حال در ایران که ظاهراً مافیایی وجود ندارد و لیگ حرفه‌ای آن چند دهه از ایتالیا عقب است حرف از تبانی و گاو بندگی تیمی است که بیشترین شانس قهرمانی را در سه هفته مانده به پایان لیگ دارد. داستان تبانی برمی‌گردد به زمانی که قلعه‌نویی مربی استقلال اهواز بود و جواد زرینچه و محمد نواری مربی و بازیکن استقلال تهران. این دو بازیکن اسبق استقلال قلعه‌نویی را به تبانی بین دو استقلال متهم کرده بودند و امیر قلعه‌نویی از آنها به کمیته انضباطی شکایت کرد.

زرینچه پیش از احضار به کمیته انضباطی در مورد مسائل مطرح شده پیرامون بازی استقلال و استقلال اهواز و ماندن تیم اهوازی در لیگ برتر گفت: استقلال

اهواز با هدایت امیر قلعه‌نویی نیاز به ۴ امتیاز داشت تا در لیگ برتر باقی بماند؛ تیم ما هم در شرایطی بود که نتیجه‌آزمایی برایش نداشت و آن قدر تیم استقلال را کوبیده بودند که شرایط برای ما فرقی نمی‌کرد؛ در آن بازی شرایطی بوجود آمد تا بازی با استقلال اهواز حساسیتی برای ما نداشته باشد. مربی اسبق تیم استقلال در پاسخ به این سوال که آیا مستندات برای اثبات صحبت‌های خود دارد؟ گفت: قبل از تعطیلات نوروز یک سری اتفاقات جالبی افتاد و در این رابطه عده‌ای هم دستگیر شدند؛ خواهش می‌کنم عوامل مربوطه، این افراد را کمی تحت فشار قرار بدهند تا معلوم شود با چه مریبانی کار می‌کردند و آنجا به طور کامل تکلیف فوتبال ایران روشن می‌شود.



پیرامون پرونده‌ی تبانی در روز سه شنبه برگزار شد. در این نشست امیر قلعه‌نویی با توجه به حضور قبلی خود در کمیته انضباطی در جلسه حاضر نشد اما، جواد زرینچه و محمدنواری در جلسه حضور داشتند و با عذرخواهی منکر اظهار تبانی شدند. آنها با اعلام اینکه برخی صحبت‌هایشان از روی عصبانیت به دلیل مصاحبه‌ی تلویزیونی امیر قلعه‌نویی انجام شده، برخی از مطالب منتشر شده در برخی خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها را نیز بزرگ نمایی دانسته و عنوان کردند که چنین مطالبی را به زبان نیاورده و هیچ ادعایی درباره‌ی تبانی ندارند. جواد زرینچه در پایان نشست کمیته انضباطی در جمع خبرنگاران اظهار کرد: من با امیر قلعه‌نویی دوست هستم و هیچ‌گاه منظوم بحث تبانی میان دو باشگاه استقلال تهران و استقلال اهواز نبوده و همین طور اتهامی را به امیر قلعه‌نویی وارد نمی‌دانم. وی افزود: به هر صورت در آن روز بازی میان تیم‌های استقلال تهران و استقلال اهواز اظهاراتی بین برخی بازیکنان صورت گرفت که کمی شبهه‌انگیز بود و امروز هم به شریفی گفتم که دلیل مصاحبه‌هایم همان

مسائل بوده است.

اما واقعا چه کسی این حاشیه‌ها را به وجود می آورد و چرا فوتبال ما آنقدر که حواشی جذاب دارد بازی‌های جذاب ندارد؟ این سئوالی است که همه در ذهن خود مرور می کنند. جواد زرینچه که حدود ۱۵ سال سرپاز استقلال بوده در حساس‌ترین شرایط این تیم را زیر سؤال می برد و انتظار حمایت هواداران این تیم را دارد. اما هواداران اول استقلال را و بعد زرینچه‌ها را دوست دارند.

خبر کوتاه ورزشی:

◀ مجید جلالی درباره احتمال حضورش در کنار محمد مایلی‌کهن در تیم ملی گفت: "من هیچ سمت رسمی را در تیم ملی نخواهم پذیرفت و زمانی هم که مایلی‌کهن



با من تماس گرفت اعلام کردم که حاضرم دورادور در قالبی که خود سرمربی تیم ملی می‌داند به تیم ایران کمک کنم."

◀ باشگاه پرسپولیس تهران در جلسه محرمانه ای با علی کریمی برای تمدید قرارداد در فصل آینده به توافق رسیدند.



گزارش ایبنا، مدیران بلند پایه باشگاه پرسپولیس تهران در جلسات محرمانه با علی کریمی هافبک میانی این تیم برای تمدید قرارداد با وی به توافق رسیده اند و قرار است در پایان فصل جاری مسابقات لیگ برتر با این بازیکن رسماً قرارداد امضا کنند.

◀ "پائولو گاردینه‌ری" آنالیزور تیم ملی والیبال ایتالیا برای برگزاری يك كلاس پیشرفته آنالیزوری به ایران می‌آید. به گزارش ایسنا، گاردینه‌ری که در زمان حضور "پارک کی‌وون"، سرمربی کراهی تیم ایران به عنوان آنالیزور فعالیت می‌کرد، موافقت خود را با برگزاری يك كلاس آنالیز در ایران اعلام کرده است. قرار است این كلاس ظرف دو هفته‌ی آینده برپا شود.

◀ علی کریمی گفت: نمی‌دانم چرا مطبوعات ورزشی ما مطلب درستی به مردم نمی‌دهند و زمانی از دایه انتقاد کرده و اکنون حامی او شدند. علی کریمی اظهار کرد: قبلاً هم گفته‌ام که اگر مایلی‌کهن مرا به تیم ملی دعوت کند با دل و جان برای تیم کشورم به میدان خواهم رفت اما متأسفانه این مطبوعات ورزشی بودند که نوشتند علی کریمی برای تیم ملی شرط گذاشته است، آخر چه کسی می‌تواند برای تیم ملی کشورش آن هم در این مقطع حساس و در راه صعود به جام جهانی شرط بگذارد.

◀ شیث رضایی مدافع اخراجی فصل گذشته پرسپولیس و همچنین فرزند آشوبی برای فصل آینده مسابقات لیگ برتر به تیم پرسپولیس بازخواهند گشت. به گزارش ایبنا، شایعه شده شیث رضایی مدافع جنجالی و اخراج شده پرسپولیس در فصل گذشته که هم اکنون در صبا حضور دارد، تلاش خود را برای بازگشت به این تیم در رقابت های فصل آینده لیگ برتر شروع کرده است و ظاهراً قصد دارد دوباره به تیم سابق خود برگردد.

◀ در ادامه هفته سی ام پیکارهای فوتبال دسته یکم باشگاه‌های اسپانیا (لالیگا) يك شنبه شب تیم اوساسونا در پرتو درخشش مسعود شجاعی هافبک ملی پوش ایرانی خود توانست برابر آلتیک بلبائو صاحب برتری شود. در این دیدار که در ورزشگاه شهر پامپلونا و به میزبانی تیم اوساسونا برگزار شد ، مسعود شجاعی و جواد نکونام دو ملی پوش ایرانی در ترکیب اصلی قرار داشتند که شجاعی نقش فراوانی در توفیق دو بریک تیمش داشت . وی در دقیقه ۱۹ موفق شد دروازه حریف را تسخیر کند و در دقیقه ۸۰ با پاس خوب وی ، سرجیو توانست گل دوم اوساسونا را رقم بزند . شجاعی که تا پایان این دیدار در ترکیب اوساسونا قرار داشت ، در دقیقه ۲۹ از داور کارت زرد دریافت کرد ولی نکونام در دقیقه ۶۵

تعویض شد. ◀ آندرانیک تیموریان بازیکن ایرانی بارنزلی در رابطه با حضورش در بارنزلی گفت: "من يك سال دیگر با فولام قرارداد دارم و به طور قرضی به تیم بارنزلی



آدم اما مشکلات زیادی را پس از مصدومیتی که در فولام با آن مواجه شدم، سپری کردم. این بار برای بازگشت به فولام باید مسائل زیادی را در نظر بگیرم. با این وجود تمرکز من در حال حاضر روی موفقیت در بازی‌های باقی‌مانده بارنزلی است. بعد از حضور در مسابقات متعدد لیگ دسته اول انگلیس حالا واقعا با تجربه شدم. مقابل تیم‌هایی بازی کردم که واقعا بازی کردن برابر آنها حتی برای بازیکنان لیگ برتری انگلیس هم مشکل است. با این وجود فکر می‌کنم با توجه به اضافه شدن به تجربیات قبلی‌ام حالا راحت‌تر و بهتر از قبل می‌توانم در فولام بازی کنم."

◀ لیست خرید پرسپولیس لو رفت. به گزارش روزنامه خبر ورزشی از ایران تیم پرسپولیس قصد دارد در فصل آینده خود پنج بازیکن تازه را به نام‌های محمد نوری از صبا، حسن اشجاری از ذوب آهن، مهدی رحمتی از مس، مجتبی جباری از استقلال و فریدون زندی را به خدمت بگیرد.



غذای عالی ایتالیایی در محلی زیبا و مجلل با محیطی صمیمی

ARIA
ristorante · pasta · grill

C01-700, rue de la Gauchetière, Montreal, Québec, H3B 4L1
Metro: Square-Victoria Tel: (514) 871-3846

رایاتک

متخصص تبلیغات و بهینه سازی روی گوگل (Google)

- پشتیبانی وب
- طراحی وب سایت
- تبلیغات روی اینترنت
- بهینه سازی روی جستجوگرها (SEO)

tel. 514.975.2111
info@Rayatec.net
www.RayaTec.net

در این جلسه کافه سینما که در آخرین یکشنبه ماه مارس ۲۰۰۹ برگزار شد آخرین فیلم ابراهیم گلستان پیش از مهاجرت همیشگی او به انگلستان به نام «اسرار گنج دره جنی» به نمایش درآمد. این فیلم که در تاریخ ۱۹۷۴ تولید شده است داستان مردی روستایی است که با پیدا کردن گنجی تصمیم می‌گیرد زندگی خود و اهل روستا را به شکلی مدرن تغییر دهد. اما در نهایت شکل زندگی تغییر یافته که با همه ای و مبتذل است و به شکل نمادگراییه ای ویران می‌شود چیزی را عوض نمی‌کند و همه در حالیکه مرد را تنها گذاشته اند از صحنه خارج می‌شوند.

آخرین فیلم ابراهیم گلستان پیش از مهاجرت همیشگی او به انگلستان، نمادی از نبوغ خلاقانه روشنفکرانست که تا آخرین لحظه ی ماندنش در زیستگاه مادری اندیشه ای به جز ثبت ریشخند آمیزی از تاریخ معاصر کشورش و نگاهی با نفوذ به ساختار متزلزل حکومتی که می‌رفت تا با انقلابی مواجه شود نداشت. به یک مفهوم، وصیت نامه سینمایی گلستان نه تنها بدرود نامه ای است با جهان روشنفکرانه ای که او در آن زندگی کرد، بلکه همچنین پیش بینی کننده ی به تلخی نشستن مردی است که بار شکستهای آرمان گرایانه ی نسل خویش را نیز به دوش می‌کشد. بردیا سعدی نژاد بیش از هر چیز به تاریخ نگاری پیرامون آفریده شدن اثر و نمادگراییه بودن آن اشاره کرد و همچنین به این که فیلم انعکاسی از روح دوران ساخت اثر است و حتی شخصیت‌های درون داستان فیلم، مترسکها و عروسک‌هایی نمادگراییه از روزگار پایانی حکومت پهلوی هستند. برای مثال، مرد روستایی نمادی از محمد رضا شاه پهلوی، مردم پیرامون او نمادی از درباریان چاپلوس و روشنفکران فرصت طلب و عقب افتاده، گنج دست یافته توسط او نمادی از ثروتها و منابع طبیعی ایران و در نهایت برجی که او برپا می‌دارد نمادی به شدت تمسخرآمیز، به وضوح جنسی و جسورانه شاید حتی با نیم نگاهی به برج میدان شهید یا آزادی امروز است. بردیا سعدی نژاد در عین حال به این نکته اشاره کرد که نمایش بلافاصله فیلم پس از تولید در ایران

هایی که با طعمی از واقعگرایی مستند پردازانه همراه هستند. تمایل به استفاده از نماهای بلند که خاص فیلمهای مستند است و علاقه به گرفتن نماها از روی دوربین روی شانه، به فیلم حسی از واقعگرایی می‌بخشد و در عین حال، این که گلستان به تماشاچیان خویش این فرصت را می‌دهد که در برداشتهای بلند روی صحنه تمرکز کنند، وزن شاعرانه بودن صحنه را سنگین تر می‌کند. سکانس مجلس عروسی در فیلم که در آن مرد روستایی قهرمان داستان با زن دوم خویش که از شهر آورده است ازدواج می‌کند نشانگر نبوغ گلستان است. این صحنه که می‌تواند تاثیر گرفته از سبک فیلمسازی کارگردان بنام سینمای ایتالیا فدریکو فلینی باشد با ادای دین به او بیانگر آن است که چگونه

عین حال فاصله میان تراژدی و کمدی برداشته شده و هر دو یکی می‌شوند. پاسخ بردیا سعدی نژاد به دلایل اشتیاق ابراهیم گلستان در سینما آن بود که او نه تنها اولین کارگردان ایرانی است که با مستند «یک آتش» (۱۹۶۱) در جشنواره های جهانی حضور پر رنگی دارد بلکه اولین کارگردان روشنفکرانست که به دلیل داشتن استودیو مستقل در ایران قادر به تولید فیلمهایی است که خود تهیه کننده ی آنهاست و البته نباید از نظر دور داشت که تاثیر ابراهیم گلستان به عنوان یک آغازگر بر نسل فیلمسازان پس از او چون بهرام بیضایی، عباس کیارستمی، و داریوش مهرجویی و دیگران بی گمان اشتیاق او را پا برجا تر می‌سازد.



«اسرار گنج دره جنی» اثر ابراهیم گلستان در کافه سینما

سرانجام در انتهای برنامه در حالیکه به نظر می‌رسید فیلم مورد استقبال تماشاچیان قرار گرفته است بردیا و من به این نکته اشاره کردیم که ابراهیم گلستان نه تنها فیلمساز، داستان نویس، و مترجم یگانه ایست بلکه او کاشف استعدادهایی همچون فروغ فرخزاد بوده و به رشد و بلوغ بسیاری از هنرمندان دوران خود نیز یاری رسانده است.

مرز بین واقعیت و رویا برداشته شده و رویا می‌تواند به واقعیت و واقعیت به رویا تبدیل شود.

در قسمت پرسش و پاسخ، این پرسش مطرح گردید که این اثر در چه نوع سینمایی می‌گنجد و دلیل اشتیاق ابراهیم گلستان با وجود کم کاری اش در سینما چیست! پاسخ من به نوع آن این بود که فیلم گلستان را می‌توان در نوع کمدی تلخ و سیاهی گنجانید که در

آرتور ناباورانه است و سهل انگاری بلاهت پردازانه ماموران ممیزی در سانسور اثر، این فرصت گرانبه را برای منتقدان، روشنفکران و چه بسا حتا عامه مردم آن روزگار فراهم ساخت تا بتوانند این آخرین فیلم گلستان را ببینند و درباره ی آن به داوری بنشینند.

در نگاهی ساختار گرایانه، فیلم تماما شاعرانه گرایانه بودن فیلمهای اولیه ی گلستان را در بر دارد. فیلم

مشخصات روشن فکر موفق



Peut-être que tu aurais dû rester dans les arbres. 2008
Laurence Vallières

– اگر روشن فکر جوان هستی، موهای سرتان را تا روی شانه بلند کنید. اگر روشن فکر میان سال هستید حتما کت و شلوار سرمه‌ای یا مشکی به تن کنید و کراوات بزنید.

– برای روشن فکران جوان، عینک گرد یا عینک صادق هدایتی، و برای روشن فکران میان سال عینک نزدیک بین مستطیلی توصیه می‌شود. اگر هم چشم‌تان نیاز به عینک ندارد به عینک‌ساز بگویید عینک با شیشه‌ی معمولی به شما بدهد. به عینک مستطیلی حتما بند عینک بزنید و آن را درست روی نوک بینی قرار دهید (گیره‌ی بند را برای هرچه بهتر دیده شدن تا نزدیکی محل اتصال دسته به قاب شیشه، جلو بکشید). هنگام بحث و گفتگو و حضور در برنامه‌های تلویزیونی عینک را در فاصله‌ی معین (مثلا ده دقیقه یک بار) روی بینی جا به جا کنید تا مخاطب متوجه

رادیو چکاوک

را هر یکشنبه شب از ساعت ۹ تا ۱۰

بر روی موج AM ردیف ۱۲۸۰ بشنوید

www.chacavac.com

جدول سودوکو

توضیح: خانه‌های جدول روبرو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

1		5	9		
	5	6	7	2	8
6	2		3	8	4
4	9			2	1
		6			7
	1		9		5
5		4	2	9	
	6	9	7	4	3
			3	5	
					6

▲ سطح: آسان

		8		2			5	
							1	9
						1	4	7
				6	8		9	3
		1			3		5	
		8	3		1	7		
1		9	8					
	2	4						
					5		3	
	7							

▲ سطح: متوسط

مثلا نظر شما را در مورد فراساختارگرایی ادبی دوران پیشامدرن می‌پرسند. شما چیزی نمی‌دانید (همان طور که من هم نمی‌دانم). ابتدا به چشم گوینده خیره شوید. بعد لیخند ملایمی بزنید. سپس در حالی که از بالای عینک نگاه می‌کنید بگویید: شما می‌خواهید بحث در مورد مسئله به این مهمی را در ده دقیقه انجام دهیم؟ به نظر می‌رسد شما از فراساختارگرایی ادبی دوران پیشامدرن چیزی نمی‌دانید که چنین خواسته‌ای دارید. البته خیلی‌ها با این مسئله آشنا نیستند. شما «تایم اند فری ویل» نوشته‌ی هانری برگسون را خوانده‌اید؟ خواننده‌اید؟ وقتی از فنومنولوژی پاساختارگرایی بحث می‌کنیم باید این مسائل را بشکافیم و به انکشاف در کتاب برگسون بپردازیم که متأسفانه فرصت نیست و باید در موقع مناسب این کار صورت گیرد...

بقیه‌ی مطالب را در کتاب من دنبال کنید تا روشن فکری موفق و خوشبخت شوید.

نوشته‌ی ف.م. سخن

<http://www.fmsokhan.com>

وجود آن شود.
– به زبانی سخن نگویید که همه بفهمند. نگران این نباشید که مخاطب حرف شما را نمی‌فهمد. این کلید طلائی روشن فکری ست: چنان سخن بگو که هیچ کس هیچ چیز نفهمد و مخاطب بعد از پایان سخن تو بگوید: «از سخنان آگاهی‌بخش شما بسیار لذت بردم و بسیار آموختم!» و وقتی دور شدی به دوستش بگوید: «اوه اوه. چه آدم باسوادی بود. چه قدر سطح بالا حرف زد. من که یک کلمه‌اش را هم نفهمیدم!»

– همان طور که کلمات الحمدلله، لاله الاالله، ان شاءالله، ماشاءالله، استغفرالله به طور مداوم از افراد مذهبی شنیده می‌شود، روشن فکر موفق باید نام‌ها و کلمه‌های زیر را دائم بر زبان داشته باشد و تکرار کند:
برای روشن فکران دینی: هرمنوتیک، ویتگنشتاین، نواندیشی دینی، سکولاریسم، کارکرد، آکادمیک، نهادین، ماکس وبر، ژرف‌نگر، اسکولاستیک، معناگرایی، دیوید هیوم، درک متکثر، اقلی، اکثری، دوصدایی، تک‌صدایی، تعامل، دیالکتیکی، راهبرد، سیستماتیک، پلورالیسم، ...

برای روشن فکران سکولار: ان.جی.او، پست کلنیالیسم (توضیح این که در جاهایی که احتمال مرعوب شدن روشن فکر توسط مخاطب باسواد می‌رود به کار بردن پیشوند پُست، پسا یا پیشا بر سر هر کلمه‌ای می‌تواند گریزگاه خوبی ایجاد کند)، استراکچرالیزم، اینتلکچوال، فوکو، پرفورمنس، رولان بارت، جنبش ۱۹۶۸، سیمون دو بووار، پیر بوردیو، پساگلیستی، ...

– نگران معنا یا تلفظ کلمه‌های بالا نباشید. همیشه به یاد داشته باشید که مخاطب هیچ چیز نمی‌فهمد و فقط شما می‌فهمید. اگر کسی گفت تلفظ «دوبووار» این نیست و آن است، چنان توی شکم طرف بروید و قیافه‌ی حق به جانب بگیرید که طرف مطمئن شود اشتباه کرده است و از شما معذرت بخواهد. با قاطعیت بگویید این تلفظ صحیح کلمه در پای کوه‌های پیرنه‌ی فرانسه است که دوبووار عاشق آن جا بوده. فراموش نکنید، کلمه‌ها و تلفظ‌ها شما را تعریف نمی‌کنند؛ شما کلمه‌ها و تلفظ‌ها را تعریف می‌کنید. آن چه شما اراده می‌کنید درست است و مخاطب باید به حرف شما تن در دهد.

– سوالی را که نمی‌دانید با سوال جواب دهید.

نیازمندی‌ها

فقط با ۱۰ دلار در ماه! نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

پیش شماره های نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

۹۲۷-۲۹۸۳	NMA Sat Iranian
فرش	
۳۸۵-۱۸۱۸	تهران
۲۷۷-۸۰۰۰	قصرفرش
۲۷۱-۷۷۵۰	Raymond & Hell
فروشگاه‌ها	
۶۲۰-۵۵۵۱	اخوان
۳۸۲-۸۶۰۶	ادونیس
۴۵۰-۹۲۳-۳۸۶۸	افغانی
۹۲۳-۸۵۶۸	الشلال
۴۸۹-۳۲۲۶	راکی مونتانا
۴۵۰-۶۷۶-۹۵۵۰	کوه نور
۳۶۹-۳۴۷۴	سن لوران
۴۲۱-۳۴۷۸	مارشه سیروس
۸۶۱-۳۴۷۴	مواد دریایی کاسپین
۹۳۲-۲۰۹۹	نور
۴۵۰-۹۰۴-۴۹۰۰	وطن
۸۴۵-۰۱۸۶	ویاند سن لورن
کامپیوتر	
۹۱۸-۴۷۳۶	انتر کام
۴۸۵-۱۰۰۰	انکس مدیا
۲۹۴-۸۲۴۲	آموزش کامپیوتر
۶۲۶-۷۵۰۶	برنامه نویسی - وب
۲۵۸-۸۱۸۶	بیژن جلالی
۹۷۵-۲۱۱۱	پیمان‌سلیمی‌طرحی‌وب
گل	
۹۸۳-۱۷۲۶	لینک فلاور-وحید
مجالس - جشن‌ها - سفره عقد	
۶۸۳-۸۵۵۶	هدیه
مراکز مذهبی	
۸۴۹-۰۷۵۳	انجمن بهایی
۷۷۷-۶۴۲۱	کلیسای شاهراه مقدس
۹۹۹-۵۱۶۸	کلیسای فارسی-کنش عادل
۳۶۶-۱۵۰۹	مرکز اسلامی ایرانیان
مشاوران املاک	
۴۲۱-۷۸۸۸	محمد اجزا چی
۲۹۶-۵۵۰۷	رویا اصفهانی
۹۷۹-۸۲۰۰	یعقوب اکبری
۵۷۶-۴۱۵۵	یاس انصاری
۴۹۷-۲۵۶۷	فریبا جانفزا
۸۱۴-۱۸۴۴	میترا چنگیزی
۹۹۸-۹۱۴۷	نعیمه چنگیزی
۲۰۷-۹۰۰۰	ژاله حافظی
۹۶۹-۲۴۹۲	نادر خاکسار
۷۹۲-۴۵۷۷	مینا صالحی
۴۵۸-۱۲۰۶	حسین فلسفی
۴۶۶-۶۰۰۰	پرویز قائمی
۹۲۶-۲۸۱۰	ایرج قانعی
۸۸۰-۷۱۷۱	سحر کریمیان
۸۰۲-۲۳۴۹	سوسن گوئل
۴۲۶-۴۵۴۵	هلن گیور گیس
۸۱۶-۴۰۸۰	نینوس گیورگیزنیا
۸۶۵-۷۱۴۶	رضا نژاد

۸۴۹-۵۶۶۱	کی بی ترانسپورت
خشک شویی و خیاطی	
Excel plus	۹۳۴-۵۶۰۰
دندان پزشکی	
۹۳۳-۳۳۳۷	مهری حیدری
۹۳۳-۳۳۳۷	شهرزاد رضا نیا
۶۸۴-۱۰۳۵	معصومه دولت‌شاهی
۶۳۴-۷۲۸۱	راضیه رضوی
۷۳۱-۱۴۴۳	شریف نائینی
۶۸۵-۶۲۲۲	علی شفیعی
۶۹۵-۸۶۴۱	رامین میر موجی
۶۸۵-۶۲۲۲	علی مهیو
دندان سازی	
۷۳۷-۶۳۶۳	افخم هادی
رسانه های گروهی	
۸۴۸-۱۷۷۱	بازار
۵۷۵-۸۴۵۱	پوشه
۹۹۶-۹۶۹۲	پیوند
۳۸۵-۴۷۲۶	تلویزیون
۷۸۷-۸۸۴۸	رادیو چکاوک
۷۸۷-۸۸۴۸	چکاوک هفته
رستوران- پیتزا - کیترینگ	
پارس	۶۷۰-۸۴۰۰
پریشا	۴۸۹-۸۴۸۴
چوپان کباب	۴۵۰-۹۳۲۲
دابل پیتزا	۳۴۳-۰۳۴۳
سرای ۵۹	۴۸۳-۶۵۵۵
شیراز	۴۸۵-۲۹۲۹
کیترینگ ظریف	۶۷۷-۴۷۲۶
فاروس	۲۷۰-۸۴۳۷
کارون	۴۸۳-۶۹۹۰
کباب سرا	۹۳۳-۰۹۳۳
کپلی	۴۸۳-۰۰۰۰
کلبه عمو جمال	۴۸۴-۸۰۷۲
گورمه گرک	۸۴۹-۱۳۳۵
گیلان	۸۰۷-۸۷۴۷
کی ملو	۳۶۳-۴۴۴۴
نیلوفر	۸۴۶-۱۹۴۷
۴۲۰ Cafe	۳۱۵-۷۹۹۴
Andy's restaurant	۴۸۲-۰۷۷۷
روانشناس - روان گاو	
حمیرا قاسم نژاد	۲۲۳-۶۵۴۲
مهناز کاظمی	۸۴۹-۷۳۶۸
سی.دی - ویدئو	
تپش دیجیتال	۲۲۳-۳۳۳۶
فتوکپی - عکاسی ، ویدئو و ماهواره	
آدیو ویدئو کبک	۴۰۸۶-۴۵۰۰
تبدیل سیستم های ویدئویی	۲۲۳-۳۳۳۶
فتوکپی ان دی جی	۴۸۸-۵۳۳۳
فتو شاپ	۸۴۶-۰۲۲۱
رز	۴۸۸-۷۱۲۱
رضا بلادی	۹۶۲-۷۳۹۲
یو.ان ستلایت	۴۸۵-۳۳۳۴

۹۵۲-۲۱۶۵	مدرسه دهخدا
۷۲۱-۰۱۲۰	مدرسه گالیه
آموزش (راندنگی)	
۹۸۹-۲۱۲۱	امگا
۹۳۷-۲۸۸۸	ناسیونال
۸۰۷-۲۷۸۳	Best
۵۶۸-۳۸۴۸	cool driving
آموزش (نقاشی)	
۹۳۸-۸۰۶۶	حمیرا مرتضوی
بیمه و سرمایه گذاری	
۸۸۵-۴۳۶۸	هادی اسلامی وطن
گروه مالی انصاری ۲۲۵:EXT:۲۰۷۰	۴۸۳-۲۰۷۰
علی پاکنژاد	۲۹۶-۹۰۷۱
پژمان اسدی	۵۶۲-۲۳۴۰
سمیرا مظفری	۹۲۴-۸۳۶۸
سهراب مهماندوست	۹۲۷-۳۵۰۴
مریم سلیمانی	۹۳۱-۴۲۴۲ EXT: ۲۲۹۴
پزشکی	
فرهت- عینک سازی	۴۸۱-۰۶۷۱
میرا - کلینیک	۴۶۶-۱۸۸۰
پزشکی جایگزین	
پروین زرساو- همیوپت	۹۳۱-۸۲۷۴
هیپنوتیزم- علی سلیمی	۹۷۹-۲۱۲۰
هیپنوتیزم- دکتر ملک	۹۹۴-۳۲۰۱
انرژی درمانی	۲۲۵-۳۸۸۳
تابلو سازی	
پلکسی	۹۳۱-۷۷۷۹
حمید	۹۳۱-۹۸۳۴
ترجمه	
محمود ایزدی	۲۴۶-۸۴۸۶
شهریار بخشی	۶۲۴-۵۶۰۹
آرزو تحویل‌داری یکتا	۷۳۰-۷۴۶۲
نغمه سروران	۸۸۹-۸۷۶۵
رضا نوشاد جمال	۵۷۵-۷۰۸۰
دارو خانه	
لوئیز داداش زاده	۲۸۸-۴۸۶۴
دکوراسیون منزل و محل کار	
میترا معینی- طراحی داخلی	۷۸۴-۰۲۵۷
A & B (پرده و)	۶۸۵-۹۹۷۹
دعوتنامه رسمی	
شهریار بخشی	۶۲۴-۵۶۰۹
جواهری	
نیک آذین	۹۳۹-۲۷۰۰
حسابداری	
حسن انصاری	۷۳۵-۰۴۵۲
همایون خاتمی	۴۸۶-۵۵۴۷
شکیب نیا	۴۸۷-۱۵۶۶
عباس شفیعی	۸۰۶-۰۰۶۰
مجتبی میر عابدینی	۴۹۲-۷۰۰۷
ریاض حق	۳۶۲-۰۳۸۲
حمل و نقل	
پارس ماریتایم	۳۸۴-۵۶۳۲

اتومبیل (اجاره و فروش)	
اتو زین	۹۹۳-۷۰۸۵
الگانس	۴۸۲-۴۵۰۰
لیزینگ کمپانی	۴۸۲-۴۵۰۰
Auto Highlander	۹۹۰-۲۵۰۰
اتومبیل (تعمیرگاه)	
اتو راید	۵۷۸-۲۲۱۱
اطلس	۴۸۴-۴۴۸۱
تعمیرات وست آیلند	۳۵۸-۱۷۹۱
لوازم یدکی آلفا	۹۲۵-۲۸۲۹
آرایشگاه-زیبایی- اسپا	
آموزش آرایش	۵۷۷-۷۴۰۲
اکسپرت	۵۵۱-۰۰۸۸
پریسا	۴۵۰-۶۷۸-۴۹۵۳
خانه زیبایی فریده	۶۲۶-۸۶۶۶
خدمات زیبایی رشیدیان	۸۴۰-۰۹۰۹
زارا	۵۲۲-۵۲۵۲
زهرة	۴۸۱-۶۷۶۵
رویا	۹۳۴-۳۳۷۴
سیروس	۳۳۳-۷۳۰۹
شهرزاد	۴۸۹-۶۹۰۱
منیزه استتیک	۹۷۵-۳۰۰۲
مون رویال	۸۴۰-۰۹۰۹
Mira	۴۶۵-۷۱۳۴
Esthemedica	۷۷۲-۵۷۸۷
ارز	
ام با ام	۸۴۸-۵۹۹۹
پاسیفیک	۲۸۹-۹۰۱۱
پنج ستاره	۸۴۶-۰۲۲۱
خضر	۹۸۹-۲۲۲۹
شریف	۲۲۳-۶۴۰۸
مانی وایز	۴۸۵-۶۰۰۰
ازدواج و طلاق	
شیخ صالح سبویه	۳۶۶-۱۵۰۹
آژانس های مسافرتی	
امیر- اسکای لان	۲۴۲-۰۴۴۸
افروالمپیک	۲۷۰-۴۷۲۶
پارس تورز	۹۳۸۷۲۷۷
نسرین پارسا	۳۹۷-۹۲۲۱ EXT: ۲۴۳
فرناز معتمدی	۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶
گام	۳۴۴-۸۸۸۸
Amro Travel	۴۲۱-۰۲۴۴
الکترونیکی (تعمیرات)	
الکتروتک	۴۲۶-۴۵۵۲
امید	۴۲۸-۰۶۵۰
سولوسیون پلاس	۵۲۷-۸۸۱۴
آموزش	
انستیتو تکنیک	۷۳۹-۳۰۱۰
پروین عبائی- فارسی	۳۶۸-۹۰۱۲
کالج ابو علی سینا	۹۳۷-۱۷۷۷
کانادا کالج	۸۶۸-۶۲۶۲
مدرسه فردوسی	۹۶۲-۳۵۶۵
مدرسه وست آیلند	۶۲۶-۵۵۲۰

استخدام
نانوایی سنگی شاطر عباس
به یک کارگز نیازمند است.
894-8372

استخدام
رستوران کپلی شماره 2
یک کمک آشپز استخدام
می کند
989-8580

اجاره
آپارتمان دو خوابه بزرگ، با
چشم انداز مرکز شهر مونتال و
کلیسای سن ژوزف.
در St-Laurent Ville، حوالی
Côte-Vertu / Montpellier
استخر، سونا، جکوزی، سالن
ورزش، دیش ماهواره ایرانی
شامل همه مخارج از قبیل شوفاژ،
برق، تلویزیون
514-561-6408

حسابداری فرهمند
مالیات 2008 را انجام
نداده اید؟
حسابداری فرهمند در
خدمت شماست
844-9731

لوله کشی و تعمیرات
مناسب
نوسازی و تعمیرات ساختمان
خود را به ما بسپارید
(514) 337-3166

اجاره
آپارتمان سه خوابه/ بسیار زیبا
به مبلغ 800 دلار در ماه اجاره
داده می شود/ منطقه LaSalle
(514) 364-5246

FOR SALE For Sale
**Car Wash By Hand
Excellent Location,
Good Price
9 Years In Business,
Very Good Income**
**Contact: Vincenzo
Panetta @
514-240-6879
vpanetta@remax-
ducartire.qc.ca**

اجاره
آپارتمان سه خوابه بزرگ/ دو
سرویس دستشویی/ بسیار شیک
و زیبا/ پارکینگ دوتایی/ چشم
انداز سن لوران بسیار آرام و
رویایی/ کرایه 1400 دلار در ماه
واقع در Brossard
(438) 887-6264

فروش ۸۰۰ کراوات
۸۰۰ کراوات آلمانی/ با کیفیت
خوب با قیمت مناسب/ کلی و
جزیی به فروش می رسد
(514) 621-1471

مسعود نصر	۵۷۱-۶۵۹۲
داود وثوقیان	۶۰۸-۳۲۶۸
فیروز همتیان	۸۲۷-۶۳۶۴
نان و شیرینی	
سرای ۵۹	۴۸۳-۶۵۵۵
نخودچی	۹۸۹-۷۵۱۴
نو سازی و تعمیرات ساختمان	
تی.ام.ان	۸۳۵-۶۲۴۳
ایرکا- فرهاد زرعی	۵۷۳-۸۱۱۸
انواع سنگ	۹۹۶-۲۷۲۵
خدمات ساختمانی احمد	۲۹۸-۱۳۹۳
تعمیرات ساختمانی رضا	۴۷۶-۳۷۲۶
خرید ضایعات - حامد	۸۱۵-۶۲۳۴
تعمیرات ساختمان مناسب	۳۳۷-۳۱۶۶
نظافت منزل و محل کار	
F & H	۶۹۶-۲۶۱۹
موسیقی : ساز- آموزش	
آموزش موسیقی-داوری	۴۶۶-۱۳۲۷
آموزش دف و آواز	۴۸۵-۰۷۳۹
آموزش موسیقی-سرابی	۶۸۳-۴۴۵۷
آموزش پیانو-قرچه داغی	۴۸۴-۸۷۴۸
آموزش پیانو-متین	۵۲۶-۱۰۳۷
نقاشی و تعمیرات پیانو	۹۰۹-۶۲۶۴
مشاور مهاجرت	
فیوره بلانژه	۷۴۴-۰۸۲۵
ماریا کتنه	۶۵۶-۸۱۷۸
علی مختاری	۶۵۱-۴۷۲۶
وکیل - مهاجرت	
گلشاد درودی	۲۸۸-۴۰۵۰
روشیا عشریه	۳۷۷-۰۴۹۰
شوکا عشریه	۸۸۶-۳۸۲۶
علی غلامپور	۳۹۵-۰۵۲۲
امیر کفشاران	۶۷۶-۸۱۷۸
ونسان والایی	۹۵۴-۹۹۹۸
وام مسکن	
بهرروز آقاباباخانی	۶۰۶-۵۶۲۶
وب سایت و شبکه	
Dream Media	۸۶۲-۶۶۴۲

قابل توجه شرکتها و موسسات بازرگانی ایرانی
هفته آگهی های استخدام را بطور رایگان چاپ می کند

قابل توجه همشهریان عزیز
می خواهید خانه خود را اجاره دهید؟
می خواهید اتومبیل یا ملک خود را بفروشید؟
هفته آگهی های شخصی و غیر تجاری شما را بطور رایگان چاپ می کند
با ما تماس بگیرید
۵۱۴-۷۸۷-۸۸۴۸
info@hafteh.info

اجاره آپارتمان
آپارتمان سه خوابه در
Pierrefonds
اجاره داده می شود
اجاره بها:
ماهانه 1150 دلار
(514) 825-1354

اجاره
آپارتمان سه خوابه در
Côte Saint-Luc
کاملا بازسازی شده، در
موقعیتی استثنایی
ماهانه 1300 دلار
(514) 651-4726

Journal HafteH

Un hebdomadaire pour la communauté iranienne de Montréal

A weekly Newsletter for the Iranian Community in Montreal

17 avril 2009, numéro 44 / 17 April, 2009, Issue No.44

Table des matières 44

Le mot de la semaine- Dr. Freidoun Mavedat
Les nouvelles du Québec et du Canada
Les nouvelles des iraniens à Montréal
Un rapport de l'anniversaire de Zoroastre- Mitra Roshan
Comment croire vos paroles Monsieur sheikh Seybavieh?
La lettre d'un lecteur
Un exclusif entretien avec Bahareh Hedayat- Mahsa AmrAbadi / Téhéran
J'atteste comme un « Témoin du Temps »- Sous prétexte de la présence de Dr. Kazem Vadiie à Montréal
La présentation de « Témoin du Temps »- Ali Ashraf ShadPour
Le petit Kaboul de Sherbrooke- Mitra Roshan
La page littéraire – Une histoire de Vasco Pratolini
Comment gérer notre cerveau? Dix-neuvième partie- Farahnaz Heidarpour
Des sélections du « Dictionnaire du Diable »- Ambrose Bierce
La page du savoir et de la technologie - Mostafa Modirrousta
Earth Hour : Heure de la Terre, Une heure pour la planète – Negar Ghadimi
La page du sport- Peyman Salimi
Un film de Ebrahim Golestan au Café-Cinéma- Morad Sadeghi
Juste Pour Rire- Mahtab Ghanbari
Table des matières en anglais et en français

Index issue 44

Who benefits from our division? – Dr. Fereydoun Maveddat
Canada and Quebec news
News from Montreal's Iranian community
Zoroaster's birthday in Montreal, a report – Mitra Roshan
A letter from one of our readers – Fariya Salamat Bakhsh
Exclusive interviews with Bahareh Hedayat, a student activist in Tehran – Mahsa Amrabadi
Honorable Dr. Kazem Vadie in Montreal and his 'witness of epoch'
A book review: 'witness of epoch' – Aliashraf Shadpour
Little Kabul in Sherbrooke – Mitra Roshan
Literary page: Vasco Pratolini
Manage your brain (18th): Choose your identity by yourself – Farahnaz Heidarpour
Selections from 'The Devil's Dictionary' – Ambrose Bierce
Sci-Tech: Students' report cards and Facebook – Mostafa Modirrousta
Green page: Earth Hour Canada: for our planet – Negar Ghadimi
Sports page: is the Cup getting closer to Isfahan? – Pyman Salimi
Review of one of Golestan's movies – Morad Sadeghi
Just for laughs: characteristics of a successful intellectual – Mahtab Ghanbari
Index

Publication/Publisher:
HafteH Journal
Rédactrice, -teur/Editors: **Leili Khaghani et /and Yusef Amiri**
Rédacteur en chef/Editor in chief:
Khosro Shemiranie
Désigner/Designer: **Behrouz Zamani**
Couverture / Cover: **B. Zamani**
Photo : **S.A. Reza Beladi**
Cover photo: **Photoshop**
Webmaster: **Payman Salimi, Arman Motaghi**

6960 Sherbrooke W. #15
Montreal Qc H4B 1R2

(514) 787-8848

ISSN 1918-4379 HafteH

General: info@hafteh.info
Editorial: editor@hafteh.info
Advertising: ad@hafteh.info
Website: www.hafteh.info

Editorial team : Masoud Bastani,
Tina Farshadgozar, Negar Ghadimi,
Hamideh Ghiasvand, Mohammad Jabbari,
Mostafa Modirrousta, Hagh, Pasha Javadi,
Payman Salimi, Ali Sharifian, Solmaz Shakerifard

Remerciements particuliers à ceux qui ont contribué à ce numéro
Special thanks to those who contributed to this issue:
Mrs. Mahsa Amrabadi, Mr. Ehsan Danshiar,
Mrs. Farahnaz Heidarpour, Dr. Fereydoun Mavedat,
Mrs. Tahereh Motebasseem, Mrs. Mitra Roshan, Mr. Morad Sadeghi, Mrs. Fariya Salamat Bakhsh,
Mr. Aliashraf Shadpour

Convention du service Poste-Publications
NO 41740020
Retourner les Articles non distribuables à ma société :
6960 Sherbrooke O Suite 15
Montréal QC, H4B 1R2

WWW.HAFTEH.INFO



"میوه و تره بار سامی"

با چهار شعبه بزرگ
در خدمت ایرانیان مونترال

کیفیت: خوب
قیمت ها: غیر قابل رقابت

سمی، جایی که می توانید سبد
خرید خود را پر از میوه کنید اما
کیف پولتان را خالی نکنید

از پنجشنبه ۲۶ فوریه ۲۰۰۹
در آدرس جدید شعبه لاوال
در خدمت شما



Laval
1550 Boulevard Daniel-Johnson
Laval, QC, Canada
(450) 978-1333



Lasalle
400 avenue Lafleur,
Lasalle, QC H8R 3H6
(514) 368-1333

Nord-est Montréal
8200 19E Avenue,
Montréal, QC H1Z 4J8
(514) 374-2215

Head Office
1505 rue Legendre Ouest,
Montréal, QC H4N 1H6
(514) 858-6363

SAMI



FRUITS

سعیاً مرد کوهنام نمیدو حرکت
مرده آن است که نهش به کجلی نهید

دربزرگداشت روانه دکتر سید ضیاء الدین شادمان

بیدار دل نمایان زبان و فرهنگ ایران، ودلور - دو تهردی فرزاد

و انجمن دو ستاران فرهنگ و ادب ایران (مونتreal) بری بدان رانفرای خاندانگردهم آمده از او کجوند



یکشنبه ۱۹ آوریل ۲۰۰۹، ۷ تا ۷ پس از نبروز

سالن ۱۳۷، ساختمان «مال»، دانشگاه کنوردیا، مونتreal

Henry F. Hall Building, 937 # 1455 De Maisonneuve W.,
Montreal, H3G 1M8

شماره سخن برای آقای بیشتر ۴۴۰ ۵۱۴۷۶۶ (514-746-0440)

بهری برای سخن این مونتreal، سخن دو ستاران زرتشت، مندی ایران، مندی فرهنگ ما، مندی کتاب ایران، کتابخانه کلازیت کانون

فرنگی چاکله دوری درضا

انجمن دوستداران زرتشت، انجمن ادبی مونتreal و
کانون فرهنگی چکاوک برگزار می کنند:

سخنرانی دکتر کاظم ودیعی نویسنده کتاب "شاهد زمان" "سیری در آموزش در ایران"

شنبه ۲۵ آوریل ۲۰۰۹ - ساعت ۵:۴۵ غروب



Verdun Cultural Centre Library
5955, rue Bannantyne, Verdun H4H 1H6
LaSalle metro station than bus 108